



مخبر:

خروج شتاب زده نیروهای خارجی ممکن است افغانستان را با جنگ داخلی مواجه کند

صفحه ۲

تروریسم مخملین

صفحه ۳

پاکستان از چه می ترسد؟

پاکستان در خصوص مشروعیت خود دچار بحران اعتماد به نفس است. روان پریشی ملی پاکستان بیش از طالبان به فرصت برقراری صلح در افغانستان صدمه می زند.



صفحه ۵

فراسوی بیداری رادیکال

تحویل سال، تحول فکر و اندیشه

صفحه ۸

یادداشت روز

ترس طالبان از پایان مسئولانه جنگ است

وزیر دفاع جدید ایالات متحده چند روز پیش در اولین سفرش به افغانستان گفت که امریکا خواهان پایان مسئولانه جنگ در افغانستان است. به تازگی رییس جمهور امریکا نیز گفته است که خروج نیروهای امریکا و بین المللی از افغانستان مطابق توافق نامه امریکا و طالبان در اول ماه می سال جاری میلادی ممکن نیست؛ البته به دلایل فنی. از نظر سیاسی و امنیتی نیز این خروج در شرایط حاضر ممکن نیست. هنوز کاری که طالبان را وادار به سازش کند، صورت نگرفته است. طالبان مترصد فرصت اند تا با خروج نیروهای خارجی از افغانستان از راه نظامی بر جمهوری اسلامی افغانستان غلبه کند. مطابق توافق نامه دوحه امریکا و طالبان در صورت برآورده شدن چهار شرط، از جمله کاهش خشونت، تمام نیروهای امریکایی و بین المللی از افغانستان خارج می شوند. اما در عمل عکس این اتفاق افتاده است. جنگ بین نیروهای دولتی و طالبان پس از امضای توافق نامه صلح بین دولت ترمپ و طالبان مرگبارتر شده و طالبان در حالی ادعای پایندی به توافق نامه را دارند که تاکتیک های جنگی طالبان نیز خشن تر و بر ترورهای هدفمند اعضای جامعه مدنی...

۲

مقام های ارشد امریکایی:

شتاب در خروج پای نیروهای امریکایی را دوباره به افغانستان می کشاند



۲

یک مقام امریکایی:

مسأله ما این نیست که چه کسی گام اول را برای احیای برجام برمی دارد

اطلاعات روز: یک مقام امریکایی اعلام کرد از نظر واشینگتن، مسأله این نیست که چه کسی گام اول را برای احیای برجام بردارد...

ستاره بلجیمی

در تعقیب رونالدو؛

لوکاکو و رکوردر

شگفت انگیز هر سه

شوت یک گل!



۷

حدود ۴۰ درصد
کودکان در غرب
کشور از دریافت
واکسین پولیو
بازمی مانند



۲

آغاز سال جدید آموزشی؛

چالش ها و کمبودهای معارف افغانستان چیست؟

کمبود آموزگار، آموزگاران خیالی، آموزگاران غیرمسلسلی و سایر نارسایی ها هنوز وجود دارد و آمارها نشان می دهد که در جهت رفع آن کارهای قابل ملاحظه ای انجام نشده است. در حالی که مسئولان بلندپایه ای حکومتی به شمول رییس جمهور هر سال برنامه ها و آمارهایی را برای رفع کمبودی ها و چالش ها معارف ارائه می کنند...

سال آموزشی ۱۴۰۰، چهارمین سال از یک دوره کامل آموزشی (۱۲ سال) است که از سوی وزارت معارف به نام دهه معارف به هدف پایان دادن به کمبودی ها و نارسایی ها نام گذاری شده است. این در حالی است که چالش های عمده معارف افغانستان مثل محرومیت اطفال از آموزش، نبود ساختمان برای مکاتب، بسته بودن مکاتب،

ترجمه

تولید مثل بدون بارداری آیا واقعا زنان را از سلطه رها می کند؟

تیمی از دانشمندان اسرائیلی هفته گذشته مادر همه ای اختراعات را اعلام کرد. محققان موسسه علوم ویزمن در مجله «نیچر» اعلام کردند که موفق شده اند صدها موش را با موفقیت در رحم مصنوعی بارور کنند...



۳

چراپی شتاب امریکا برای خروج از افغانستان

امریکا در سال ۲۰۰۱ بعد از حمله ۱۱ سپتامبر به منظور تعقیب و از بین بردن پناهگاه های القاعده و جلوگیری از تکرار حمله مشابه، به افغانستان لشکر کشید. بعد از ساقط کردن حکومت طالبان، ایالات متحده تلاش کرد حکومتی مستحکم از اقوام مختلف افغانستان روی کار بیاورد و با حمایت از آنها زمینه مبارزه با گروه های تروریستی را ایجاد کند. امریکا در ابتدای ورود به افغانستان طبق گفته های زلمی خلیل زاد، سفیر وقت امریکا در افغانستان قصد حضور دوامدار را نداشت. ولی نیاز افغانستان برای تشکیل یک حکومت مستقل و همکار با امریکا بیش از تحلیل های دولت امریکا زمان بر بود. لذا امریکا مجبور شد تا زمان طولانی تر و هزینه های بیشتری را در این کشور صرف کند. خروج نیروهای امریکایی از افغانستان برای مدت طولانی مطرح بوده و پیش از سال ۲۰۱۴ در مورد آن سخن گفته می شد ولی با انتخاب...

تحلیل

۲



بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

کنش‌گران زن، مقامات قضایی، سیاستمداران محلی و کارمندان رسانه‌ای که همه از نسل پسا ۲۰۰۱ افغانستان و متعهد به تنوع سیاسی، آزادی بیان و توسعه مدرن هستند، متمرکز شده است. خشم طالبان از تغییر در برنامه‌ی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، هراس از پایان مسئولانه‌ی جنگ در افغانستان است. جنگ در حالی مسئولانه به پایان می‌رسد که سازش جای آن را گرفته باشد. در افغانستان اما اختلاف‌ها بین طرف‌های درگیر جنگ به قدری عمیق است که در گام اول، دستیابی به توافق و در قدم بعدی برای اجرای آن چشم‌اندازی خوش‌بینانه‌ی وجود ندارد. تلاش‌های صورت‌گرفته برای صلح تا کنون حکم دور باطل را داشته است. از این گذشته طالبان بارها نیت خود را از رفتن نیروهای خارجی از افغانستان پیروزی طالبان بر حکومت شکننده، فاسد و به‌شدت چندپارچه‌ی افغانستان کار سختی نیست. بر پایه‌ی تازه‌ترین ارزیابی‌های اطلاعاتی امریکا، با خروج نیروهای خارجی بدون رسیدن به سازش سیاسی مطمئن بین طرف‌های درگیر، خطر غلبه‌ی طالبان از طریق جنگ بسیار جدی است. بنابراین وقتی صحبت از پایان مسئولانه‌ی جنگ می‌شود، رویای پیروزی طالبان آشفته و این گروه خشم‌گین می‌شود.

پیدام خروج زود هنگام نیروهای خارجی از افغانستان تنها به مسلط شدن طالبان بر افغانستان محدود نمی‌ماند. بسیاری از ناظران که وضعیت افغانستان را زیر نظر دارند می‌گویند در صورت خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، القاعده می‌تواند دوباره تجدید سازمان کند. ارزیابی‌های فرماندهی مرکزی ایالات متحده که بر عملیات‌های نظامی در خاورمیانه و جنوب آسیا نظارت دارد، گویای یک واقعیت ترسناک برای امریکایی‌ها است. این نهاد می‌گوید القاعده می‌تواند در صورت خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان ظرف دو تا سه سال آماده‌ی حمله به خاک ایالات متحده شود. طالبان هنوز با القاعده در ارتباط است. بر پایه‌ی گزارش وزارت خزانه‌داری امریکا ادامه ارتباط القاعده و طالبان پس از توافق دو طرف که یکی از شرایط محوری خروج نیروهای خارجی از افغانستان بود، هنوز پابرجا است.

بنابراین، پایان مسئولانه‌ی جنگ با شرایط نامطلوب حاضر بسیار فاصله دارد. سیاست شتاب‌آلود و آمیخته با سردرگمی به نفع طالبان تمام می‌شود. ممکن است آقای بایدن مثل سلفاش در دام خروج از افغانستان به هر قیمتی بیفتد. ترمپ می‌خواست از افغانستان به هر قیمتی خارج شود. اما در نهایت نتوانست از افغانستان خارج شود. تنها این نوع سیاست جبهات جنگ طالبان را مشحون از پیروزی کرد. شهروندان افغانستان امیدوارند که بایدن در مورد خروج از افغانستان مبتنی بر دیدگاه گذشته تصمیم نگیرد. او زمانی که معاون رییس‌جمهور اواما بود در مصاحبه با آن‌بی‌سی گفته بود: «ما روند خروج را در جولای ۲۰۱۱ آغاز می‌کنیم و تا سال ۲۰۱۴، حتی اگر از آسمان سنگ باران، از آن‌جا خارج می‌شویم.» حالا که او تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی است و حرف آخر را می‌زند، باید به دشواری جنگ افغانستان بیش از پیش پی برده باشد. تا زمانی که به طالبان تفهیم نشود جنگ افغانستان راه‌حل نظامی ندارد، این جنگ، مسئولانه به پایان نمی‌رسد.



اطلاعات روز: روزنامه نیویارک تایمز به تازگی با استناد به یک ارزیابی آژانس اطلاعاتی دولت امریکا گزارش کرده است که اگر نیروهای امریکایی پیش از آنکه طالبان و دولت افغانستان روی تقسیم قدرت باهم توافق کنند، افغانستان را ترک کنند، این کشور ظرف دو یا سه سال پس از خروج نیروهای خارجی به پیمان‌های وسیعی در اختیار طالبان قرار خواهد گرفت. به گفته‌ی مقام‌های ارشد امریکایی این امر می‌تواند به صورت بالقوه سبب تقویت القاعده در داخل افغانستان شود. ارزیابی آژانس اطلاعاتی دولت امریکا سال گذشته برای دولت ترمپ تهیه شده بود،

در جمع اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ی دولت امریکا قرار دارد قبلاً فاش نشده بود. طبق گزارش نیویارک تایمز، این ارزیابی آخرین ارزیابی از مجموعه پیش‌بینی‌های شفاف درباره‌ی آینده‌ی افغانستان است که تحلیل‌گران اطلاعاتی در طول جنگ دو دهه‌ی گذشته ارائه کرده‌اند. در گزارش نیویارک تایمز به نقل از مقام‌های ارشد امریکایی آمده است که خروج نیروهای امریکایی در سال جاری به سقوط حکومت فعلی، فرسایش شدید حقوق زنان و برگشت گروه‌های تروریستی بین‌المللی می‌انجامد. این مقام‌ها گفته‌اند که شتاب در خروج کاری می‌کند که به زودی پای

نیروهای امریکایی پس به افغانستان کشیده شود. براساس این گزارش، مهم‌ترین موضوعی که مایه‌ی نگرانی مقام‌های اداره‌ی بایدن شده، تهدیدی است که پس از تسلط طالبان در افغانستان متوجه زنان می‌شود. لیندا توماس گرینفیلد، سفیر ایالات متحده‌ی امریکا در سازمان ملل گفته است: «اگر افغانستان می‌خواهد حمایت‌های مالی و سیاسی جامعه جهانی را با خود داشته باشد، هر توافقی باید دست‌آوردهای زنان افغان را حفظ کند.» او افزوده است: «ما حتی یک انج از این موضع خود عقب نمی‌نشینیم.»

جوایدن، رییس‌جمهوری ایالات متحده‌ی امریکا به تازگی درباره‌ی خروج نیروهایش از افغانستان گفته است که پابندی به مهلت تعیین شده به دلایل فنی خیلی دشوار است. از سوی دیگر او گفته است که کشورش قصد ندارد برای مدت طولانی در افغانستان بماند، اما به گفته‌ی او، خروج از افغانستان «منظم و مصئون» خواهد بود. گروه طالبان اظهارات اخیر رییس‌جمهور امریکا را مبهم خوانده و گفته است که اگر نیروهای امریکایی بر اساس توافقنامه‌ی که بین امریکا و این گروه امضا شده، تا اول ماه می از افغانستان خارج نشود، این گروه به جنگش ادامه می‌دهد.

حدود ۴۰ درصد کودکان در غرب کشور از دریافت واکسین پولیو بازمی‌مانند

پولیو در غرب کشور افزایش پیدا می‌کند: «ما از گروه طالبان می‌خواهیم که اجازه تطبیق کمپین خانه به خانه واکسین پولیو را بدهند.» مسئولان صحن در غرب کشور می‌گویند که در جریان سال گذشته‌ی خورشیدی (۱۳۹۹) هشت مورد مثبت پولیو به ثبت رسیده و احتمال افزایش این آمار طی سال جاری نیز وجود دارد. این مسئولان می‌گویند که طالبان به دلیل ترس از افشاشدن مراکز عملیاتی و هویت افرادشان با کمپین واکسین پولیو به شکل خانه‌به‌خانه مخالف هستند. قرار است که کمپین بهاری واکسین پولیو روز دوشنبه هفته جاری در ولایت‌های غربی آغاز شود. اما جدی‌ترین چالش برای تطبیق واکسین پولیو، تهدیدات امنیتی در مناطق تحت تسلط طالبان است.

محب:

خروج شتابزده‌ی نیروهای خارجی ممکن است افغانستان را با جنگ داخلی مواجه کند

اشتراک در این نشست آمادگی دارد. در همین حال، او افزود که باید اجندای این نشست و نتیجه‌ی آن مشخص شود: «قبل از نشست باید آمادگی درست روی اجندا و مسائلی که صحبت صورت می‌گیرد، باید قبل از قبل صحبت صورت گیرد و نتیجه را هم معلوم کنیم که به چه نتیجه می‌رسیم.» حمدالله محب تأکید کرد که هم‌اکنون روی این موارد صحبت‌ها جریان دارد. از سوی هم، او گفت که باید در این نشست از گروه طالبان نیز افرادی اشتراک کنند که آنان صلاحیت تصمیم‌گیری را داشته و خواهان برقراری صلح باشند. آقای محب تأکید کرد که مذاکره با افرادی از طالبان که خواهان ختم جنگ اند، ممکن به یک نتیجه برسد. او گفت: «طوری که [طالبان] در قطر وقت را ضایع می‌کنند. تیمی که در قطر فرستاده‌اند، هیچ صلاحیت ندارند و روی موضوعات اصلی بحث نمی‌توانند.» از سوی هم، مشاور شورای امنیت ملی گفت که اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان که چندی پیش به کابل آمده بودند، دوباره برای مذاکره با طالبان به قطر برگشته‌اند. این صحبت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که قرار است نشست ترکیه در ماه آینده‌ی میلادی (آوریل) برگزار شود.

در همین حال، جوایدن، رییس‌جمهوری ایالات متحده‌ی امریکا به تازگی درباره‌ی خروج نیروهایش از افغانستان گفته است که پابندی به مهلت تعیین شده به دلایل فنی خیلی دشوار است. از سوی دیگر او گفته است که کشورش قصد ندارد برای مدت طولانی در افغانستان بماند، اما به گفته‌ی او، خروج از افغانستان «منظم و مصئون» خواهد بود. گروه طالبان اظهارات اخیر رییس‌جمهور امریکا را مبهم خوانده و گفته است که اگر نیروهای امریکایی بر اساس توافقنامه‌ی که بین امریکا و این گروه امضا شده، تا اول ماه می از افغانستان خارج نشود، این گروه به جنگش ادامه می‌دهد.

«آجندای نشست ترکیه باید مشخص شود»

از سوی هم، مشاور امنیت ملی در بخشی از صحبت‌هایش با اشاره به برگزاری نشست ترکیه، نیز گفت که دولت افغانستان برای



از سوی هم، حمدالله محب از گروه طالبان خواست که از فرصت پیش‌آمده برای برقراری صلح در کشور استفاده کنند و به جنگ‌شان خاتمه دهند. او تأکید کرد که اگر طالبان به فکر رسیدن به قدرت باشند، اشتباه می‌کنند. در همین حال، محمدیاسین ضیا نیز گفت که نهادهای امنیتی و دفاعی کشور آمادگی کامل برای مواجهه با هر نوع شرایط برای دفاع از کشور دارند و برای «بدترین سناریو» آماده‌اند. این درحالی است که روزنامه نیویارک تایمز به تازگی با استناد به یک ارزیابی آژانس اطلاعاتی دولت امریکا گزارش کرده که اگر نیروهای امریکایی پیش از آنکه طالبان و دولت افغانستان روی تقسیم قدرت باهم توافق کنند، افغانستان را ترک کنند، این کشور ظرف دو یا سه سال پس از خروج نیروهای خارجی به پیمان‌های وسیعی در اختیار طالبان قرار خواهد گرفت. به گفته‌ی مقام‌های ارشد امریکایی این امر می‌تواند به صورت بالقوه سبب تقویت القاعده در داخل افغانستان شود.

اطلاعات روز: به‌دنبال هشدار آژانس اطلاعاتی دولت امریکا از پیدام خروج شتابزده‌ی نیروهای خارجی از افغانستان، حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور می‌گوید که اگر این نیروها خارج شوند، افغانستان با احتمال جنگ داخلی روبه‌رو می‌شود. آقای محب که دیروز (شنبه، ۷ حمل) در یک نشست مشترک خبری با محمدیاسین ضیا، سرپرست وزارت دفاع ملی و عبدالصبور قانع، معین ارشد امنیتی وزارت امور داخله در کابل صحبت می‌کرد، گفت: «اگر نیروهای خارجی [از افغانستان] بیرون شوند و ما به طرف صلح نرویم، خطر این وجود دارد که ما (افغانستان) به جنگ داخلی برگردیم.» او اما افزود که مردم افغانستان نمی‌خواهند به جنگ داخلی برگردند. در همین حال، مشاور امنیت ملی تأکید کرد که نهادهای امنیتی کشور در تلاشند تا به‌منظور جلوگیری از احتمال بروز جنگ داخلی در افغانستان، خلاها و ضعف‌ها را برطرف کنند. او گفت: «همه‌ی آمادگی‌هایی که وزارت‌های داخله و دفاع می‌گیرند، به این دلیل است که ما از آن‌طور وضعیت (احتمال جنگ داخلی) که همه‌ی نهادهای استخباراتی از آن‌ها هشدار می‌دهند، جلوگیری کنیم و برویم به طرف صلح.»

سرپرست وزارت دفاع:

علی‌پور از ساحه فرار کرده است، پیدایش می‌کنیم

از سوی هم، او گفت که نیروهای دولتی که برای عملیات در ولسوالی حصه‌ی اول بهسود رفته بود، اهداف دیگر عملیاتی نیز در میدان‌وردک دارد. آقای ضیا افزود: «در آن جا ما مشکلات مردم در نظر گرفتیم که سال‌ها راه بند بود و طالبان از آن سوء‌استفاده می‌کردند. عملیات ما در آن جا دیروز عملاً مرحله‌ی دومش آغاز شده است. عملیات ادامه دارد به ضد هر کسی که بر ضد حاکمیت و مملکت ما است.» این درحالی است که هفت روز پیش نیروهای دولتی به‌دنبال سقوط یک فروند چرخ‌بال ارتش در ولسوالی حصه‌ی اول بهسود بر مواضع افراد وابسته به عبدالغنی علی‌پور حمله کردند. این چرخ‌بال روز چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته سقوط کرد که در نتیجه‌ی سقوط آن، ۹ نفر به‌شمول چهار عملیه‌ی پرواز و پنج نیروی دولتی کشته شدند. وزارت دفاع گفته است که این چرخ‌بال از سوی افراد علی‌پور ساقط شده است. نزدیکان علی‌پور نیز در ابتدا اعلام کردند که چرخ‌بال ارتش از سوی آنان ساقط شده است، اما علی‌پور در تازه‌ترین اظهاراتش مسئولیت ساقط این چرخ‌بال را رد کرده است. پیش‌تر نزدیکان علی‌پور به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که درگیری میان آنان و نیروهای دولتی پس از تیراندازی این نیروها بر معترضان در بهسود در ماه دلو سال گذشته‌ی خورشیدی، اوج گرفته است. در جریان این تیراندازی‌ها ۴۲ نفر کشته و زخمی شدند.

اطلاعات روز: حدود یک هفته پس از راه‌اندازی عملیات نیروهای دولتی بر مواضع عبدالغنی علی‌پور، فرمانده مقاومت مردمی در ولایت میدان‌وردک، محمدیاسین ضیا، سرپرست وزارت دفاع ملی می‌گوید که علی‌پور از ساحه فرار کرده است. آقای ضیا که دیروز (شنبه، ۷ حمل) در یک نشست مشترک خبری با حمدالله محب، مشاور امنیت ملی و عبدالصبور قانع، معین ارشد امنیتی وزارت امور داخله در کابل صحبت می‌کرد، گفت که تلاش نیروهای دولتی برای بازداشت عبدالغنی علی‌پور جریان دارد.

او تأکید کرد: «علی‌پور فعلاً از ساحه ناپدید شده، یا فرار کرده، یا گم شده و یا هم مخفی شده است. او (فرار علی‌پور) بحث کلان نیست و ما پیدایش می‌کنیم.» از سوی هم، سرپرست وزارت دفاع ملی علی‌پور را یک «دزد» و «راهزن» خواند و گفت که عملیات نیروهای دولتی در ولسوالی حصه‌ی اول بهسود میدان‌وردک، علیه مردم نه، بلکه علیه این فرمانده مقاومت مردمی راه‌اندازی شده است. او همچنان با اشاره به تخریب ساختمان‌ها در جریان این عملیات نظامی گفت که یک تیم از نیروهای دولتی مواد تعمیراتی را به ولسوالی بهسود انتقال داده است و آنان را دوباره ترمیم می‌کند. محمدیاسین ضیا در مورد سقوط چرخ‌بال ارتش در بهسود هم افزود که بقایای آن هم‌اکنون در اختیار دولت قرار گرفته و تحقیق بیشتر در این مورد می‌کند.

محمدکاظم احمدی

امریکا در سال ۲۰۰۱ بعد از حمله ۱۱ سپتامبر به منظور تعقیب و از بین بردن پناهگاه‌های القاعده و جلوگیری از تکرار حمله مشابه، به افغانستان لشکر کشید. بعد از ساقط کردن حکومت طالبان، ایالات متحده تلاش کرد حکومتی متشکل از اقوام مختلف افغانستان روی کار بیاورد و با حمایت از آن‌ها زمینه مبارزه با گروه‌های تروریستی را ایجاد کند. امریکا در ابتدای ورود به افغانستان طبق گفته‌های زلمی خلیل‌زاد، سفیر وقت امریکا در افغانستان قصد حضور دوامدار را نداشت. ولی نیاز افغانستان برای تشکیل یک حکومت مستقل و همکار با امریکا بیش از تحلیل‌های دولت امریکا زمان‌بر بود. لذا امریکا مجبور شد تا زمان طولانی‌تر و هزینه‌ی بیشتری را در این کشور صرف کند.

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان برای مدت طولانی مطرح بوده و پیش از سال ۲۰۱۴ در مورد آن سخن گفته می‌شد ولی با انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رییس‌جمهور ایالات متحده بحث خروج نیروهای امریکایی از افغانستان شتاب بیشتری گرفت و به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی امریکا تبدیل شد. دونالد ترامپ، زلمی خلیل‌زاد اولین سفیر ایالات متحده در افغانستان پس از فروپاشی حکومت طالبان را به‌عنوان فرستاده ویژه این کشور در امور افغانستان مقرر کرد؛ زلمی خلیل‌زاد سیاست‌مدار کهنه‌کار و با تجربه امریکایی در امور افغانستان سابقه طولانی و تعیین‌کننده‌ی در امور افغانستان دارد. زلمی در کنار جیمز دابینز نقش پشت پرده مهمی را در جریان مذاکرات بن در سال ۲۰۰۱ ایفا کرد و همچنین در زمان تصویب قانون اساسی و برگزاری لویه جرگه اضطراری برای تشکیل دولت موقت حامد کرزی در افغانستان مأموریت داشت و مشغول رایزنی در این زمینه بود. می‌توان زلمی خلیل‌زاد را یکی از معماران اصلی افغانستان پس از فروپاشی طالبان دانست. انتخاب زلمی خلیل‌زاد برای مذاکرات صلح، جدیت دونالد ترامپ را برای حل مسأله افغانستان نشان داد. از طرفی در ابتدا تصور بر این بود که تلاش دونالد ترامپ برای سرعت در نتیجه‌گیری و خروج از افغانستان یک مسأله شخصی است که ترامپ آن را در جریان رقابت‌های انتخاباتی خود بیان کرده و تلاش می‌کند با عملی کردن آن استفاده حداکثری را در انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری ایالات متحده بکند. ولی با کنار رفتن ترامپ از کرسی قدرت و روی کار آمدن جو بایدن از حزب دموکرات و ابقای زلمی خلیل‌زاد عضو حزب جمهوری‌خواه جدید جو بایدن و امریکایی‌ها برای ختم جنگ در افغانستان و خروج از این کشور را برای همگان ثابت کرد. حالا این سوال پیش می‌آید که چرا امریکا با این شدت به دنبال خروج از افغانستان است و چه مسأله‌ای سبب این مقدار تعجیل شده است؟ چرا امریکا

چرایی شتاب امریکا برای خروج از افغانستان



اینک تلاش می‌کند با هر عنوانی که شده از افغانستان خارج شود و خود را از مدیریت افغانستان به‌دور سازد؟ عوامل مختلفی در این مسأله دست دارد و همگی دست به دست یکدیگر داده و سبب شده که افغانستان از اولویت برنامه‌های امریکا خارج شود و این کشور به این نتیجه برسد که هرچه سریع‌تر باید از منجلااب افغانستان خود را رها سازد.

اژدهای چینی برمی‌خیزد

امریکا در مرحله کنونی با دو مشکل اصلی در عرصه سیاست خارجی و داخلی روبه‌رو است. مهم‌ترین مسأله خارجی امریکا مهار چین است. چین در سه دهه‌ی گذشته سریع‌ترین رشد اقتصادی را در جهان داشته و در حال حاضر بر جایگاه دوم اقتصاد دنیا ایستاده است. مرکز تحقیقات اقتصادی و بازرگانی CEBR در گزارش سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرد اقتصاد چین در سال ۲۰۲۸ از اقتصاد امریکا پیشی خواهد گرفت. این مسأله دست چین را برای افزایش بودجه نظامی و تشکیل یک ارتش بزرگتر نیز فراهم می‌کند. در حال حاضر از نظر بودجه نظامی نیز چین رتبه سوم جدول را در بین کشورهای جهان دارد و اگرچه فعلا فاصله زیادی با امریکا دارد ولی چین قدم‌های مهمی را بر کم کردن این فاصله با امریکا برداشته است. با ثروتمندتر شدن چین دست این کشور برای سرمایه‌گذاری در عرصه نظامی و فعالیت‌های سیاسی بازر می‌شود و میزان وزنه این کشور در معادلات جهانی نیز افزایش خواهد یافت. چین همین اکنون نیز آغاز به کار کرده و از نظر سرمایه‌گذاری خارجی در رتبه یازدهم جهانی قرار دارد و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را در بنادر کشورهای جهان از جمله آسیا، اروپا

و افریقا انجام داده است. در حالی که چین به شدت در حال افزایش وزنه خود در جهان است به هر اندازه که قدرت سیاسی و نظامی چین افزایش یابد مهار چین توسط امریکا سخت‌تر خواهد بود. چنانچه درگیری امریکا و چین در دریای جنوبی چین رو به افزایش است و امریکا سعی می‌کند با افزایش حضور نظامی خود در این منطقه وزنه معادلات را به سود خود و کشورهای هم‌پیمانانش سنگین‌تر کند. امریکا تلاش می‌کند با رهایی از مشکلات خارج از اولویت توان خود را برای مبارزه با این کشور تجمیع کند و برای مبارزه با چین متمرکزتر عمل کند.

داعش داخلی و مسأله‌ای بغرنج

نکته دوم مسأله امنیت ملی امریکا است. امریکا به منظور حفظ امنیت خود به خارج از مرزهای خودش لشکر کشید و کشورهایی را که احساس می‌کرد برای امریکا تهدید محسوب می‌شوند با استفاده از حمله نظامی

مهم‌ترین مسأله خارجی امریکا

مهار چین است. چین در سه دهه‌ی گذشته سریع‌ترین رشد اقتصادی را در جهان داشته و در حال حاضر بر جایگاه دوم اقتصاد دنیا ایستاده است. مرکز تحقیقات اقتصادی و بازرگانی CEBR در گزارش سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرد اقتصاد چین در سال ۲۰۲۸ از اقتصاد امریکا پیشی خواهد گرفت.

تروریسم داخلی برای امریکا اهمیت جدی پیدا کرده است و حالا بعد از گذشت ۲۰ سال از حمله امریکا به عراق و افغانستان نه تنها امنیت در این کشور افزایش نیافته است بلکه مسأله جدیدی به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی امریکا مطرح شده که می‌تواند از فعالیت گروه‌های بنیادگرا نیز مخرب‌تر و مبارزه با آن مشکل‌تر باشد.

نکته سوم: امریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که طالبان جزئی از واقعیت افغانستان هستند و با وجود پشتیبانی پاکستان از آن‌ها نیز نمی‌توان این گروه را شکست داد چنانچه زلمی خلیل‌زاد سفیر امریکا در افغانستان در کتاب خاطرات خودش، بیان می‌کند که یکی از اشتباهات ما در مذاکرات بن این بود که طالبان را در این مذاکرات سهمیم نساختیم؛ مسأله‌ای که اینک نیز تلاش می‌شود با برگزاری مذاکرات ترکیه اشتباه گذشته جبران شود.

جنگ افغانستان بازی ای بی پایان

نکته چهارم: امریکا با تأمین هزینه سنگین جنگ افغانستان روبه‌رو است. هزینه جنگ افغانستان نزدیک به یک تریلیون دلار تخمین زده شده است. این در حالی است که هیچ پایانی نیز برای ختم جنگ دیده نمی‌شود و مشخص نیست چه مقدار هزینه دیگر نیاز است تا این جنگ به نفع امریکا پایان یابد. این در حالی است که افزایش نارضایتی از مشکلات اقتصادی و بیکاری در امریکا در حال افزایش است، چنانچه یکی از وعده‌های اصلی دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ که با آن توانست توجه زیادی را به خود جلب کند تلاش برای بهبود اقتصاد امریکا و اشتغال‌زایی برای مردم این کشور بود.

جواب این سوال که چرا امریکا با این شتاب به فکر خارج شدن از افغانستان است شاید در این مسأله باشد که امریکا اینک با مشکلات مهمتری در عرصه بین‌الملل، امنیت و اقتصاد روبه‌رو است. امریکا در ۲۰ سال اخیر بیش از هر زمانی درگی مسائل خاورمیانه بوده. زمانی که امریکا سرگرم خاورمیانه و افغانستان شده، چین آرام‌آرام در حال ظهور کردن است، به همین دلیل نیز تلاش می‌کند که هرچه زودتر از زیر بار مسئولیت جنگ افغانستان رها شود و مدیریت این جنگ را به کشورهای دیگر بسپارد و تمرکز خود را بیش از پیش بر مسائل حیاتی متمرکز کند. در غیر این صورت به‌زودی مقام نخست تأثیرگذاری جهانی را از دست خواهد داد، اتفاقی که برای امپراطوری بریتانیا افتاد و رفته‌رفته این کشور قدرتمند به بازی‌گر دست‌چندمی سیاست بین‌الملل تبدیل شد. امریکا نیز علاقه‌ای ندارد که این مسأله برایش تکرار شود و در جهانی زندگی به‌سر ببرد که در آن تضامیم تعیین‌کننده را نه در غرب و ایالات متحده بلکه در شرق و چین گرفته می‌شود.

تحلیل

سایه‌ی نظام طالبانی را دارند، حکومت فعلی با تمام مفاسدی که دارد گزینه‌ی قابل‌تحمل‌تری به نظرشان می‌آید. همان کلیشه‌ی معروف انتخاب میان بد و بدتر. حال، نکته در این‌جاست که حکومت فعلی از این وضعیت برای پوشاندن رفتارهای ظالمانه و سرکوبگرانه‌ی خود استفاده می‌کند. در واقع، این حکومت به طالبان «نیاز» دارد. به این معنا که باید گروهی به‌نام طالبان وجود داشته باشد تا حکومت بتواند مردم را از آن بترساند و در قیاس با آن رفتارهای خود را مشروع‌تر و قابل‌قبول‌تر جلوه دهد. اگر گروهی به‌نام طالبان وجود نداشته باشد (با آن کارنامه‌ی وحشتناک)، این حکومت هرگز نخواهد توانست مردم را تهدید کند که اگر حکومت فعلی برود، گزینه‌ی جانشین امارت اسلامی طالبان است.

تروریسم مخملین یعنی این. اگر گروه‌های تروریستی به‌صورت مستقیم هراس‌افگنی می‌کنند، حکومت فعلی همان هراس را در هیئتی متفاوت‌تر بر سر مردم معلق نگه داشته است و از آن سود سیاسی می‌برد. از این زاویه که به قضایا نگاه کنیم، می‌فهمیم که چرا حکومت اشرف غنی هیچ‌گاه به سرکوب کامل طالبان رضایت نمی‌دهد. وجود گروهی به‌نام طالبان به غنی فرصت داده است که همه‌ی مفاسد و مظالم حکومت خود را زیر عنوان مصالح نظام و «دفاع از جمهوریت» توجیه کند. مردم ناچار افغانستان نیز تا کنون به این رویکرد هراس‌افگانه‌ی حکومت واکنش مساعد نشان داده‌اند. به این معنا که این‌گونه‌ی تروریسم (هراس‌افگنی مخملین حکومتی) تا حالا در میان مردم کارگر افتاده است.

است و اکثر ما با آن آشناییم.

اما گونه‌ی دیگری از تروریسم هم وجود دارد و آن کاشتن ترس در دل شهروندان با واسطه‌ی تهدید غیرمستقیم است. نمونه‌ی زنده و عینی این هراس‌افگنی را در رفتار حکومت‌های افغانستان در دو دهه‌ی اخیر می‌بینیم. مثلا همین حکومت فعلی افغانستان پیوسته هراس طالبان را در دل شهروندان می‌کارد و از این طریق در پی دست یافتن به هدف سیاسی‌ای هست که خود طالبان آن را به‌صورت مستقیم دنبال می‌کند. آن هدف سیاسی این است: انحصار قدرت بدون مسئولیت از طریق مطیع کردن کامل مردم.

حکومت کنونی افغانستان در مورد بازگشت طالبان به قدرت به ما «هشدار» یا آگاهی نمی‌دهد؛ بل از بازگشت طالبان به قدرت به‌عنوان ابزار تهدید و هراس‌افگنی در میان شهروندان استفاده می‌کند. هر وقت که این حکومت به رفتارهای غیرقانونی و ظالمانه دست می‌زند و کسی از این رفتارها انتقاد می‌کند، گردانندگان و مبلغان و طرفداران این حکومت مردم را از روزی می‌ترسانند که همه‌ی «دستاورد‌های دو دهه‌ی گذشته» از دست بروند و به‌جای نظام جمهوری فعلی امارت اسلامی طالبان سر کار بیاید. صریحا به مردم می‌گویند که یا ما و بی‌رسمی‌ها و ستم‌های ما کنار بیایید، یا طالبان خواهند آمد و همه‌ی شما را از دم تیغ خواهند گذراند.

از آنجا که مردم تجربه‌ی دردناک زندگی کردن در

تروریسم مخملین



سخن‌داد هاتف

تعطیل می‌کنند و از کارها و آرزوهایی که دارند دست برمی‌دارند، تروریسم به هدف خود رسیده است. در این حالت، آن هراسی که قرار بود در دل شهروندان کاشته شود، کاشته شده و پا گرفته و در رفتارها و تصمیم‌های افراد تجلی بیرونی یافته است.

در این‌گونه‌ی تروریسم، یک گروه تروریستی این تهدید را به شهروندان می‌رساند که چنانچه رفتار فردی و جمعی خود را مطابق میل تروریست‌ها عیار نکنند، با آسیب‌های جبران‌ناپذیر روبه‌رو خواهند شد. تروریست‌ها با خلق کردن نمونه‌های عینی از چنان آسیب‌ها عملا به شهروندان «آموزش ترس» می‌دهند و ذهن و روان آنان را زیر کنترل خود درمی‌آورند. این‌گونه‌ی مشهود و مشهور تروریسم است که ابزار کارش تهدید مستقیم

لیاقت لایق

سال آموزشی ۱۴۰۰، چهارمین سال از یک دوره‌ی کامل آموزشی (۱۲ سال) است که از سوی وزارت معارف به‌نام دهه‌ی معارف به هدف پایان‌دادن به کمبودی‌ها و نارسایی‌ها نام‌گذاری شده است. این در حالی است که چالش‌های عمده‌ی معارف افغانستان مثل محرومیت اطفال از آموزش، نبود ساختمان برای مکاتب، بسته‌بودن مکاتب، کمبود آموزگار، آموزگاران خیالی، آموزگاران غیرمسلکی و سایر نارسایی‌ها هنوز وجود دارد و آمارها نشان می‌دهد که در جهت رفع آن کارهای قابل ملاحظه‌ای انجام نشده است. درحالی‌که مسئولان بلندپایه‌ی حکومتی به‌شمول رئیس‌جمهور هر سال برنامه‌ها و آمارهایی را برای رفع کمبودی‌ها و چالش‌ها معارف ارائه می‌کنند، اما برپایه بررسی‌های صورت‌گرفته بسیاری از برنامه در حد وعده باقی مانده یا بسیار اندک عملی شده است.

محرومیت میلیون‌ها کودک

بنابر آمار رسمی وزارت معارف امسال نیز حدود ۳٫۷ میلیون کودک از آموزش و پرورش یا رفتن به مکتب محروم‌اند. این آمار است که از سال‌های گذشته تاکنون هیچ تغییری در آن نیامده است. ۶۰ درصد کودکان محروم از مکتب را دختران تشکیل می‌دهند. درصدهای دختران محروم از مکتب نسبت به دو سال پیش ۱۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. بنابر اطلاعات سخن‌گوی وزارت معارف محرومیت دختران از مکتب بیشتر در ولایات جنوبی و جنوب شرقی است. مهم‌ترین عامل محرومیت کودکان به ویژه دختران از آموزش و پرورش، نامنی، فقر اقتصادی، رواج‌های ناپسند فرهنگی و اجتماعی دانسته می‌شود. یکی از عوامل محرومیت دختران از مکتب نبود آموزگاران زن گفته می‌شود. از میان ۲۲۰ هزار آموزگار در مکاتب دولتی ۸۸ هزار آن زن است.

بنابر آمارهای رسمی از مجموع ۹۰۷ میلیون کودک دانش آموز اکنون ۴۲ درصد آن را دختران تشکیل می‌دهند. درصدهای دانش آموزان دختر، نسبت به دو سال پیش ۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

زمینه‌ی آموزش و پرورش برای تمام دانش‌آموزان دختر و پسر از سوی دولت به‌گونه‌ی برابر فراهم می‌شود. به رغم این گزارش اطلاعات روز در گذشته‌ی نزدیک نشان می‌داد که در ۲۷ ولسوالی شامل ده ولایت کشور، هیچ دختری پا به مکتب نمی‌گذارد. در این میان هلمند، ولایتی در جنوب‌غرب کشور، در صدر فهرست جا گرفته است. پس از هلمند، ارزگان، پکتیکا، زابل، غزنی، فاریاب، فراه، کندهار و لوگر قرار دارد. اکنون مسئولان وزارت معارف در این

مورد اطلاعات نفرستاده است که آشکار شود محرومیت دختران در کدام ولایات و ولسوالی‌ها بیشتر است. ن مسئولان وزارت معارف هر سال می‌گویند برای جذب کودکان محروم برنامه دارند و تلاش می‌کنند. در سال آموزشی ۱۳۹۸ مسئولان وزارت معارف به اطلاعات روز گفته بودند که در دو سه سال آینده با برنامه‌های که دارند، قرار است حدود یک‌ونیم میلیون کودک محروم شناسایی و شامل مکتب شوند اما ظاهراً این وعده تاکنون عملی نشده و رقم محرومیت همچنان ۳٫۷ میلیون است و تغییری نکرده است. مسئولان وزارت معارف گفته بودند که تنها در یک سال ۱۳۹۸، ۵۰۰ هزار کودک محروم را شامل برنامه‌های آموزش و پرورش می‌کنند. اکنون نیز نجیبه آرین، سخن‌گوی این وزارت به اطلاعات روز می‌گوید، تلاش می‌کنند کودکان محروم را از راه برگزاری کورس‌های آموزشی اضطراری و مؤقتی آموزش و پرورش دهند.

در عموم سطح بی‌سوادی شهروندان امسال از سوی وزارت معارف ۵۷ درصد اعلام شده است. آمار این وزارت نشان می‌دهد که سطح سواد در کشور در سال‌های اخیر از ۲۸ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافته است. امسال برای بالا بردن سطح سواد عمومی قرار است ۱۰ هزار مرکز سواد آموزی از پنج حمل عمدتاً در سراسر کشور آغاز شود که بیش از ۲۲۰ هزار نفر را آموزش می‌دهد. این شمار مراکز سواد آموزی هر سال ایجاد می‌شود.

ساختمان مکاتب

آمار رسمی نشان می‌دهد که امسال نیز از مجموع حدود ۱۸ هزار مکتب ۴۱ درصد آن ساختمان ندارد. رئیس‌جمهور غنی در سال ۱۳۹۷ وعده داده بود که در دو سال حدود شش هزار مکتب ساخته خواهد شد.

اکنون که سه سال از این وعده می‌گذرد بنابر آمار رسمی وزارت معارف حدود یک هزار و ۵۰۰ مکتب ساخته شده است. در حالی که مسئولان وزارت معارف در آغاز سال تعلیمی ۱۳۹۸ وعده داده بودند که تنها در این سال کار ساخت حدود دو هزار و ۷۰۰ مکتب تکمیل می‌شود، اما اکنون آمار این وزارت نشان می‌دهد که در این سال تنها ۲۵۰ مکتب ساخته شده است. همچنین در سال ۱۳۹۷، ۵۲۲ و در سال ۱۳۹۹ نیز ۷۳۲ مکتب ساخته شده است. امسال نیز رئیس‌جمهور غنی در برنامه‌ی زنگ مکتب گفت که قرار است در سال تعلیمی جدید یک هزار و ۸۰۰ باب مکتب ساخته شود.

مسئولان پیشین بخش مطبوعات وزارت معارف می‌گفتند که کار ساخت مکاتب با چالش‌های عمده‌ی تأخیر در تعیین زمین و اجرای بودجه روبه‌رو است. اما نجیبه آرین،

مسئولان پیشین بخش مطبوعات وزارت معارف می‌گفتند که کار ساخت مکاتب با چالش‌های عمده‌ی تأخیر در تعیین زمین و اجرای بودجه روبه‌رو است. اما نجیبه آرین، سخن‌گوی وزارت معارف اکنون می‌گوید که این وزارت با همکاری وزارت امور شهرسازی و اراضی در ساخت مکاتب به اهدافش رسیده است.

سخن‌گوی وزارت معارف اکنون می‌گوید که این وزارت با همکاری وزارت امور شهرسازی و اراضی در ساخت مکاتب به اهدافش رسیده است. در کنار نبود ساختمان برای مکاتب چالش دیگر این است که تاکنون صدها مکتب که ساخته شده‌اند اما در اثر جنگ و نا امنی بسته است. از این مکاتب گاهی به‌حیث سنگر از سوی طرف‌های جنگ استفاده می‌شود. بنابر اطلاعات وزارت معارف از ۲۰ سال پیش به اینسو حدود یک هزار مکتب در اثر جنگ و نا امنی بسته بوده که تاکنون ۷۰ درصد آن دوباره باز شده است. این آمار بنابر وضعیت امنیتی نسبی است و هر سال تغییر می‌کند. **کمبود آموزگار و آموزگاران غیرمسلکی** از سال‌ها به اینسو آموزش و پرورش

افغانستان به کمبود ده‌ها هزار آموزگار، آموزگار زن و آموزگاران مسلکی روبه‌رو است. مسئولان اطلاع‌رسانی وزارت معارف امسال آمار دقیق از کمبود آموزگاران نمی‌دهد اما آمار سال‌های گذشته از سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که در معارف افغانستان در عموم ۷۰ هزار آموزگار کمبود است. همچنان ۵۰ هزار آموزگار غیرمسلکی است. اطلاعات امسال وزارت معارف نیز نشان می‌دهد که تنها ۲۰ درصد از آموزگاران درجه‌ی تحصیلی لیسانس دارند. ۵۷ درصد آن فوق‌بکلوریا (۱۴ پاس) و باقی آن درجه‌ی بکلوریا (۱۲ پاس) را دارند. سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید که دلیل وجود آموزگاران غیرمسلکی عدم دسترسی به مناطق دوردست است که در آن مناطق از ظرفیت موجود در خود روستاها به‌حیث

آغاز سال جدید آموزشی؛ چالش‌ها و کمبودی‌های معارف افغانستان چیست؟



آموزگار استفاده می‌شود. خانم آرین می‌گوید که این وزارت روند مسلکی‌سازی آموزگاران را به‌گونه‌ی جدی پی‌گیری می‌کند.

رئیس‌جمهور در آغاز سال آموزشی ۱۳۹۸ وعده داده بود که در پنج سال آینده براساس هماهنگی و تفاهم وزارت‌های تحصیلات عالی و معارف، حدود ۱۰۰ هزار آموزگار از درجه‌ی فوق‌بکلوریا به لیسانس و حدود ۵۷ هزار از سطح بکلوریا به فوق‌بکلوریا ارتقا خواهند یافت. همچنان مسئولان وزارت معارف نیز گفته بودند که در پنج سال آینده آموزگاران غیرمسلکی از طریق جذب در مراکز تربیه معلم، مسلکی می‌شوند. آموزگاران به تدریج در مرکز تربیه معلم در سراسر کشور و ۱۵۸ مرکز حمایتی تربیه معلم جذب خواهند شد.

برای رفع کمبود آموزگار نیز رئیس‌جمهور و مسئولان وزارت معارف می‌گویند که هر سال هزاران بست آموزگاری را از طریق رقابت آزاد به اعلان می‌دهند. امسال نیز رئیس‌جمهور در برنامه نواختن زنگ مکتب گفت که بیش از ۱۱ هزار بست جدید آموزگاری در سال جدید آموزشی به اعلان خواهد رفت.

فایبر نوری، انترنت و کمپیوتر

تولید مثل بدون بارداری آیا واقعا زنان را از سلطه‌ها می‌کند؟



بسیاری از شرکت‌های فناوری و رسانه‌ای، از جمله اپل، گوگل، فیسبوک، وایس و یازفید، پیش از این پیشنهاد داده‌اند که هزینه‌ی منجمد کردن تخمک کارمندان خود را می‌پردازند تا دیگر زنان نگران کاهش بارداری در سال‌های اوج باروری خود نباشند.

نمی‌رود چنین پیش از این مرحله بتواند به رشد ادامه داده و خارج از رحم زنده بماند. اما چه خواهد شد اگر تمام جنین‌ها و حتا جنین‌ها در مرحله‌ی اولیه بتوانند به‌طور بالقوه به‌دلیل وجود رحم مصنوعی زنده بمانند؟ آیا می‌توان برای هر کودک متولد نشده حق زندگی قائل شد؟

جان انسان‌ها مطرح کرد. اما رحم مصنوعی می‌تواند اساس حقوق باروری و آزادی زنان را زیرپا بگذارد. در انگلستان، اسکاتلند و ولز، حد سقط جنین، امکان زنده ماندن جنین در خارج از بدن انسان تعیین شده است؛ در حال حاضر در هفته‌ی بیست‌وچهارم بارداری، زیرا انتظار

زمان واقعی بررسی کنند. این رحم‌ها اجازه می‌دهند روند حاملگی در خارج از بدن ادامه یابد، بنابراین نوزادان زودرس دیگر محکوم نیستند با خطر بالای معلولیت و بیماری مزمن همراه با نارسایی شدید مواجه باشند. به‌راحتی نمی‌توان دلیلی منطقی برای عدم وجود چیزی با چنین پتانسیلی برای نجات

منبع: گاردین، جنی کلیمن برگردان: شریفه عرفانی

انجام دهد این است که سهم خود را در میان بگذارد و مراقبت به عهده‌ی دیگری خواهد بود. اما این برابری می‌تواند هزینه‌های زیادی برای زنان داشته باشد. این یک فناوری کاملاً مخمل است و با هر پیشرفت جدید ما بیش از پیش به دنیای انتخاب‌های اخلاقی سخت وارد می‌شویم.

ایده نوزادانی که در شیشه بزرگ می‌شوند شاید تصاویری از جوجه‌کشی «دنیای قشنگ نو» آلدوس هاکسلی یا مزرعه‌های جنین «ماتریکس» را به ذهن متبادر کند، اما دانشمندان دهه‌هاست که تلاش می‌کنند این اتفاق بیفتد. در سال ۱۹۹۲، محققان جاپانی موفق به پرورش بز در داخل رحمی از جنس لاستیک شدند. در سال ۲۰۱۷، محققان در شفاخانه کودکان فیلادلفیا نشان دادند که آن‌ها جنین بره را در رحمی پلاستیکی تا معادل تقریباً نیمی از دوره‌ی حاملگی معمول گوسفند رشد داده‌اند.

انگیزه‌ی دانشمندان از این نوآوری‌ها نیتی خیرخواهانه است: آن‌ها می‌خواهند با بهبود نتایج برای پرورش نوزادان بسیار نارس، آسیب‌پذیرترین انسان‌های کره زمین را نجات دهند. افزون بر آن، می‌خواهند بفهمند در اوایل بارداری چه رخ می‌دهد و چرا بسیاری از حاملگی‌ها به سقط منجر می‌شوند. رحم‌های مصنوعی دریچه‌ای به دنیای بسته‌ی رشد جنینی به روی دانشمندان باز می‌کند، به این ترتیب می‌توانند دلایل شکست آن را در

تیمی از دانشمندان اسرائیلی هفته گذشته مادر همه‌ی اختراعات را اعلام کرد. محققان موسسه علوم ویزمن در مجله «نیچر» اعلام کردند که موفق شده‌اند صدها موش را با موفقیت در رحم مصنوعی بارور کنند. آن‌ها تخمک‌های تازه‌بارور شده را درون ویال‌های شیشه‌ای چرخان در دستگاه جوجه‌کشی دارای تهویه قرار داده و جنین را به مدت ۱۱ روز، یعنی اواسط بارداری موش، در خارج از بدن مادر رشد دادند. جنین به‌طور طبیعی رشد کرد. قلب آن‌ها که از جدار شیشه‌ای ویال قابل مشاهده بود، به‌طور مداوم با ۱۷۰ ضربه در دقیقه می‌تپید.

اندازه‌ی موش‌ها به کوچکی دانه‌های آفتابگردان بود، اما نتیجه‌ی حاصله بسیار عظیم است: دستیابی به موفقیت ما را یک قدم به تولید مثل بدون بارداری نزدیک می‌کند. تقسیم کار در حاملگی غیرقابل‌حل‌ترین مسأله برابری بین دو جنس است. در دنیای کاری که عمدتاً توسط مردان ساخته شده، سهم مردان در تولید مثل فقط یک سلول است، درحالی‌که زنان در مدت ۹ ماه نوزاد را حمل می‌کنند و به دنیا می‌آورند؛ گاهی اوقات بدن خود و اغلب اوقات شغل خود را به مخاطره می‌اندازند. رحم مصنوعی به معنای برابری کامل تولید مثل بین دو جنس است: تمام کاری که هرکسی باید

ترجمه

پاکستان از چه می‌ترسد؟

پاکستان در خصوص مشروعیت خود دچار بحران اعتماد به نفس است. روان‌پیشی ملی پاکستان بیش از طالبان به فرصت برقراری صلح در افغانستان صدمه می‌زند.

مثال بلوچ‌ها در زمان تجزیه هند از الحاق اجباری‌شان به پاکستان ابراز نارضایتی می‌کردند. بسیاری از پشتون‌ها نیز برای ملحق شدن به برادران‌شان در افغانستان، تحت چتر «پشتونستان بزرگ»، شورش‌هایی را در سطوح پایین به راه انداختند. آن‌ها معتقد بودند که در پاکستان در میان سایر اقوام یک اقلیت به‌شمار می‌روند و در صورت الحاق‌شان به افغانستان، تبدیل به اکثریت مطلق می‌شوند. هرچند رهبران پاکستانی احتمالاً زمانی به جنبش‌های قومی به‌عنوان



مایکل روبین، نیشنال انترست مترجم: جلیل بیژواک

قرار است ماه آینده حکومت افغانستان و طالبان در تلاش برای دستیابی به توافق صلح در استانبول گرد هم آیند. مسأله اصلی در این نشست ساختار و شکل حکومت آینده‌ی افغانستان خواهد بود. این که آیا افغانستان همانند دو دهه‌ی گذشته یک جمهوری اسلامی با رییس‌جمهور منتخب باقی بماند یا نه به امارت اسلامی تحت رهبری یک رهبر مذهبی تبدیل شود؟ اما این پرسش برخاسته از یک مشکل است و ریشه‌ی این مشکل نه به شورش طالبان که پس از مداخله‌ی ناتو در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شد و نه به ظهور این گروه در سال ۱۹۹۴ برمی‌گردد. این مشکل از جایی در شرق دور پاکستان، که اکنون بنگلادش نامیده می‌شود، آب می‌خورد.

نیمه‌شب پنجاه سال پیش از امروز شیخ مجیب‌الرحمان، بنیان‌گذار حزب «عوامی لیگ» در شرق پاکستان، استقلال کشوری به‌نام بنگلادش را اعلام کرد. او چند دقیقه قبل از رسیدن ارتش پاکستان برای بازداشت وی، اعلام کرد که «سر از امروز بنگلادش مستقل است. من از مردم بنگلادش می‌خواهم هرچجا که هستند و با هر آنچه که در اختیار دارند تا آخرین دم در برابر ارتش اشغال‌گر مقاومت کنند. مبارزه شما باید تا زمانی ادامه یابد که آخرین سرباز ارتش اشغال‌گر پاکستان از خاک بنگلادش خارج و پیروزی نهایی حاصل نشده باشد.»

ساعاتی قبل از این اعلام، ارتش پاکستان «عملیات جست‌وجو» را راه‌اندازی کرده بود. ارتش جوخه‌های مرگ خود را در شرق پاکستان مستقر کرده بود تا چالش‌هایی را که این ایالت در برابر برتری طلبی پاکستان غربی خلق کرده بود از میان بردارند. رییس‌جمهور وقت پاکستان، یحیا خان، منطق ارتش را از انجام این کار چنین توضیح داد: «سه میلیون نفر از آن‌ها را که بکشید بقیه تابع می‌شوند.» بنگلادشی‌ها مقاومت کردند، اما تلفات بسیار زیادی را متحمل شدند. در طی یک سال، بین ۳۰۰ هزار تا سه میلیون بنگالی جان خود را از دست دادند. مجموع این تلفات را اگر فقط یک میلیون نفر در نظر بگیریم، هنوز بیش از دو برابر تلفات جنگ داخلی سوریه است. با این تفاوت که جنگ سوریه یک دهه طول کشید اما در بنگلادش فقط طی یک سال آمار تلفات به مرز یک میلیون نفر رسید.

سرانجام فداکاری بنگلادشی‌ها و کمک هند به بنگلادش کمک کرد به موفقیت برسد. در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۷۱، دگر جنرال ارتش پاکستان، امیر عبدالله خان نیازی، رییس حکومت نظامی پاکستان شرقی، به دگر جنرال جاگجیت سینگ اوروا، فرمانده ستاد مشترک نیروهای هند و بنگلادش، تسلیم شد و پاکستان استقلال بنگلادش را تأیید کرد. مجیب‌الرحمان پس از آزادی از زندان پاکستان اولین رییس‌جمهور بنگلادش و به تعقیب آن نخست‌وزیر این کشور شد. از دست‌دادن بنگلادش برای پاکستان فاجعه بود. محمدعلی جناح، رهبر مسلم لیگ و بنیان‌گذار پاکستان، کشور تازه شکل‌گرفته را به‌عنوان سرزمینی برای مسلمانان و کشوری مبتنی بر دین و نه قومیت، می‌دانست. با این حال جدایی پاکستان شرقی به دلیل تشدید نارضایتی‌های اساساً قومی، زخمی بر هویت اصلی پاکستان بود. گذشته از این، قبل از استقلال بنگلادش، بنگالی‌ها فقط یکی از چندین جوامع قومی بزرگ در پاکستان بودند که می‌خواستند هویت قومی را بالاتر از هویت ملی در پاکستان قرار دهند: برای

پاکستان در خصوص مشروعیت خود دچار بحران اعتماد به نفس است. روان‌پیشی ملی پاکستان بیش از طالبان به فرصت برقراری صلح در افغانستان صدمه می‌زند. راه صلح و ثبات در افغانستان میان‌بر ندارد. تا زمانی که ایالات متحده و جامعه جهانی مستقیماً به مشکل پاکستان رسیدگی نکنند، هیچ کنفرانس صلحی نمی‌تواند به موفقیت برسد. فراموشی تاریخی شاید خصیصه‌ی ایالات متحده باشد، اما در منطقه جنوب آسیا واقعیت‌ها همواره مهم هستند.

مایکل روبین پژوهش‌گر مقیم مؤسسه امریکن انترپرایز است.

شناسایی شده است. از این میان نه هزار آن مربوط به وزارت معارف است که بیشتر شامل «آموزگاران جعلی» است. کارمندان خیالی در ادارات به‌گونه‌ای است که افراد با هویت اصلی و یا جعلی به‌عنوان کارمند ثبت اسناد دولتی است، به‌نام آنان حقوق پرداخت می‌شود اما عملاً در وظیفه حاضر نیستند و کاری انجام نمی‌دهند.

مستولان اطلاع رسانی وزارت معارف آمار دقیق از کارمندان و آموزگاران خیالی را ارائه نمی‌کنند. سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید که روند ثبت بایومتریک کارمندان و آموزگاران تا کنون ۸۰ درصد پیشرفته و تا کنون تکمیل نشده است. برعلاوه ادعا می‌شود که حتی مکاتب خیالی وجود دارد و بودجه آن حیث و میل می‌شود. خانم آرین موجودیت مکاتب خیالی را رد می‌کند و می‌گوید هیچ مکاتب خیالی وجود ندارد و تمام مکاتب موقعیت یابی دیجیتال شده است.

یکی از چالش‌های عمده‌ی معارف افغانستان کمبود کتاب و قاچاق آن برای فروش در بازار آزاد است. مستولان وزارت معارف گرچند آمار دقیق در این مورد ارائه نمی‌کنند اما می‌پذیرند که این چالش همواره وجود داشته و دارد. دو سال پیش وزیر پیشین معارف در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی گفت که ۹۰ میلیون جلد کتاب کمبود است که تلاش می‌شود در سال‌های آینده رفع شود.

سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید که در سال گذشته ۱۲.۲ میلیون جلد کتاب چاپ شده و در سال جدید نیز قرار است ۳۷ میلیون جلد کتاب چاپ شود.

سال جدید آموزشی در حالی آغاز می‌شود که سال گذشته شیوع ویروس کرونا این بخش را به شدت متاثر کرد. امسال مستولان وزارت معارف می‌گویند که امسال برنامه‌های جبرانی را به ویژه در بخش مضامین ساینسی تطبیق خواهند کرد. گرچند امسال نیز آمار رسمی ثبت و مرگ در اثر کرونا تا هنوز کماکان وجود دارد اما ترس و نگرانی از آن عملاً از بین رفته است. واکسین کرونا نیز در حال تطبیق شدن است. باوجود این رییس‌جمهور در مراسم نواختن زنگ مکتب تأکید کرد که به سلامتی دانش آموزان توجه ویژه شود. امسال صنف‌های درس در مکاتب و دانشگاه‌ها به شرط رعایت توصیه‌های بهداشتی وزارت صحت عامه باز شده است.

در کنار مکاتب دولتی در افغانستان حدود دو هزار مکتب خصوصی فعالیت دارد. از این میان نصف آن در کابل است. پارسال با شیوع ویروس کرونا بخش خصوصی آموزش و پرورش با خطر بسته شدن روبه‌رو شد. چندین ماه پی‌هم بخش زیادی از آموزگاران مکاتب خصوصی بیکار و به دشواری‌های زیاد مالی روبه‌رو شدند.

ترجمه

خود را می‌پردازند تا دیگر زنان نگران کاهش بارداری در سال‌های اوج باروری خود نباشند. بارداری در سال‌های اول بارداری یک نوزاد در رحم مصنوعی شاید روزی گزینه‌ی انتخابی برای زنان نخبه‌ای که شرکت‌های‌شان هزینه آن را پرداخت می‌کنند یا زنانی که توانایی مالی کافی دارند، باشد. آن زمان، بارداری «طبیعی» را شاید بتوان نشانه‌ی فقر، بارداری برنامه‌ریزی‌نشده یا سبک زندگی آشفته دانست.

ممکن است ده‌ها سال دیگر با تولید جایگزینی کامل برای بارداری فاصله باشد، اما رحم‌های مصنوعی زودتر از آنچه فکر می‌کنید می‌آیند. جهان حاضر تیم‌هایی از محققان در سرتاسر جهان وجود دارند که با هم روی ساخت جایگزینی برای رحم انسان رقابت می‌کنند. شفاخانه کودکان فیلادلفیا در حال جلب موافقت سازمان غذا و داروی آمریکا برای تأیید آزمایش‌های دستگاه «بیوبگ» خود برای نوزادان انسان است و تیم‌های دیگری نیز در استرالیا و جاپان در حال تلاش هستند. رشد انسان در خارج از بدن انسان موانع اخلاقی و قانونی خواهد داشت، نه فناوری. قبل از ورود این فناوری به شفاخانه‌ها و کلینیک‌های باروری، باید اکنون درباره رحم‌های مصنوعی و اصول مشروط و قابل پیش‌بینی حق تولید مثل زنان بحث کنیم.

- جنی کلیمن نویسنده کتاب «بات‌های جنسی و گوشت وگان: ماجراهایی در مرز تولد، غذا، سکس و مرگ» است.

باوجود این چالش‌ها در مکاتب، ریاست جمهوری و مستولان وزارت معارف هر سال وعده می‌دهند که در ولایت‌های کابل، بلخ، هرات و سایر ولایت‌هایی که دسترسی به انرژی برقی دارند، مکاتب با فایبر نوری، کامپیوتر و امکانات اینترنتی مجهز خواهد شد. به گفته‌ی مستولان وزارت معارف، این روند به گونه‌ی دوام دار ادامه خواهد داشت و این وزارت در نظر دارد تا با استفاده از اینترنت و کامپیوتر زمینه‌ی تعلیم از راه دور را فراهم کند و از چالش‌ها بکاهد.

رییس‌جمهور غنی در سال ۱۳۹۸ گفته بود در حدود ۱۵ باب مکتب به فایبر نوری وصل و ۳۱ مکتب دیگر با امکانات کامپیوتر و اینترنت مجهز شده است. همچنان رییس‌جمهور وعده داده بود که یک هزار و ۲۹۰ باب مکتب دیگر نیز در آینده‌ی نزدیک با فایبر نوری وصل خواهد شد. اکنون سخن‌گوی وزارت معارف اما می‌گوید که تا کنون ۴۰۰ مکتب به فایبر نوری و اینترنت وصل شده است.

امسال همچنان رییس‌جمهور در برنامه‌ی نواختن زنگ مکتب بر دیجیتال شدن و اصلاحات آموزشی تأکید کرد. او گفت که این کار از آن خاطر انجام خواهد شد که دانش آموزان متناسب با نیاز بازار آموزش ببینند.

وصل شدن به اینترنت و کار با کامپیوتر، زیر عنوان فناوری آموزشی اکنون به یک نیاز اساسی در آموزش و پرورش تبدیل شده است. نبود این امکانات در مکاتب و دانشگاه‌های افغانستان از بزرگ‌ترین چالش‌های است که همواره از سوی کارشناسان مطرح شده است.

کارمندان و آموزگاران خیالی

یکی از عوامل فساد در وزارت معارف موجودیت مکاتب، آموزگاران و کارمندان خیالی در این وزارت است. گزارش‌هایی هم از سوی نهادهای پژوهشی نشر شده که وزارت معارف را در رده‌ی فاسدترین ادارات دولتی قرار داده است. پس از آن روند ثبت بایومتریک آموزگاران و کارمندان این وزارت از سوی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی آغاز شد. این کمیسیون در ۲۵ قوس سال گذشته اطلاعاتی را در این مورد به بی بی سی داد که نشان می‌داد که تا آن زمان ۱۲ هزار کارمند خیالی در دستگاه دولت

رییس‌جمهور در آغاز سال آموزشی

۱۳۹۸ وعده داده بود که در پنج سال آینده براساس هماهنگی و تفاهم وزارت‌های تحصیلات عالی و معارف، حدود ۱۰۰ هزار آموزگاران درجه‌ی فوق بکلوریا به لیسانس و حدود ۵۷ هزار از سطح بکلوریا به فوق بکلوریا ارتقا خواهند یافت.

در کشورهایی که سقط جنین قانونی است، دسترسی به آن از حق زن بر تصمیم‌گیری درباره‌ی بدنش نشأت می‌گیرد. اما اگر نوزادان ناخواسته، توسط فناوری «نجات» یابند، در رحم مصنوعی دوران بارداری را سپری کرده و سپس به فرزندخواندگی داده شوند، در این صورت سقط جنین می‌تواند به‌طور هم‌زمان هم طرفدار انتخاب و هم «طرفدار زندگی» باشد. چرا یک مادر باید تصمیم بگیرد که کودک ناخواسته را از بین ببرد، وقتی یک رحم مصنوعی می‌تواند زندگی آن را نجات دهد؟

این فناوری برای نجات آسیب‌پذیرترین نوزادان جهان در حال تکامل است. تصور این که نوزادان موجود در رحم زانی که در دوران بارداری می‌نوشند، سیگار می‌کشند، مواد مخدر مصرف می‌کنند یا رفتارهای خطرناک دارند، استحقاق رشد در رحمی مصنوعی و حق حیات را دارند، چندان دور از ذهن نیست. در فرهنگ‌هایی که زنان باردار دائماً مورد موشکافی و قضاوت قرار می‌گیرند، و دولت از این قدرت برای اعلام بی‌کفایتی مادران و گرفتن فرزندان‌شان استفاده می‌کنند، این فناوری تهدیدی بالقوه برای زورگویی و کنترل زنان باردار به‌شمار می‌آید.

بسیاری از شرکت‌های فناوری و رسانه‌ای، از جمله اپل، گوگل، فیسبوک، وایس و بازفید، پیش از این پیشنهاد داده‌اند که هزینه‌ی منجمد کردن تخمک کارمندان

یک مقام امریکایی:

مسئله ما این نیست که چه کسی گام اول را برای احیای برجام برمی‌دارد

این مقام‌ها اضافه کرده‌اند از آنجا که جمهوری اسلامی موضع سخت‌گیرانه‌ای را درباره پرونده هسته‌ای خود در پیش گرفته، بخت احیای برجام پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در خردادماه در حال کاهش است. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی یکشنبه گذشته بار دیگر تاکید کرد که پیش از لغو تحریم‌ها و راستی‌آزمایی از سوی جمهوری اسلامی، تهران اقدامی در جهت بازگشت به برجام نخواهد کرد.

بازگرداند. بیشتر در چارچوب برجام، امریکا برخی از تحریم‌ها را در قبال محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران لغو کرده بود، اما دونالد ترامپ رییس‌جمهوری پیشین امریکا، این کشور را از برجام خارج کرد. روترز به نقل از مقام‌های غربی نوشت امریکا و ایران هنوز درباره گفت‌وگوی مستقیم با یکدیگر بر سر احیای برجام توافق ندارند و از طریق کشورهای اروپایی به طور غیرمستقیم با یکدیگر ارتباط دارند.

سوی یکی از طرفین نیست و برداشتن گام‌ها می‌تواند به صورت همزمان باشد. این مقام امریکایی اضافه کرد: «ما درباره این موضوع عملگرا خواهیم بود.» روترز این موضع‌گیری مقام امریکایی را حاکی از انعطاف‌پذیری بیشتر واشینگتن برای احیای توافق هسته‌ای ایران دانسته است. دولت جو بایدن تلاش دارد ایران را به میز مذاکرات درباره ازسرگیری تعهدات برجام از سوی هر دو طرف

اطلاعات روز: یک مقام امریکایی اعلام کرد از نظر واشینگتن، مساله این نیست که چه کسی گام اول را برای احیای برجام بردارد، مشکل توافق بر سر اقداماتی است که باید به طور متقابل اتخاذ شود. به گزارش ایران اینترنشنال، این مقام امریکایی که نامش فاش نشده، به روترز گفت: «موضع ما مطلقا این نیست که ایران پیش از آنکه ما کاری را انجام دهیم، به اجرای کامل [برجام] بازگردد.» او بار دیگر تاکید کرد که مساله برداشتن گام اول از

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین امضا شد

خامنه‌ای در گفت‌وگویی با تلویزیون دولتی ایران دامنه همکاری‌ها گفته بود این همکاری ۲۵ ساله «در همه حوزه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی از جمله نفت و گاز، صنایع الکترونیک، حوزه‌های دانش بنیان و غیره است.» ترولیوم اکونومیست که رسانه‌های تحلیلی در حوزه انرژی است ۱۲ سنبه ارسال نوشت قرار است چین ۲۸۰ میلیارد دلار در صنایع نفت و گاز و ۱۲۰ میلیارد دلار در صنعت حمل و نقل ایران سرمایه‌گذاری کند. به نوشته این نشریه، این سرمایه‌گذاری همراه با تخفیف در خرید نفت بود، در اجرای طرح‌های توسعه به چین اولویت می‌داد و امکان حضور پنج هزار نیروی امنیتی چین در خاک ایران را فراهم می‌کرد. بر اساس این گزارش که با تکذیب محمد جواد ظریف همراه شد، چین در خرید نفت، گاز و محصولات پتروشیمی از تخفیفی تا ۳۲ درصد برخوردار می‌شود و دو سال حق دیرکرد در پرداخت را خواهد داشت.

مقایسه و از دادن امتیازات بیش از حد به چین در وضعیتی که ایران با تحریم‌های امریکا روبرو است، ابراز نگرانی کردند. اوایل ماه اسد محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهوری پیشین ایران، درباره قرارداد ۲۵ ساله «پنهان» و «دور از چشم ملت ایران» با یک کشور خارجی هشدار داد و گفت که «ملت ایران آن را به رسمیت نخواهد شناخت.» اما وزارت امور خارجه سند همکاری ایران و چین را «افتخارآمیز و به نفع روابط راهبردی دو کشور» توصیف کرد. از آن زمان مقام‌های حکومتی همواره از این سند که ابهامات زیادی درباره آن مطرح شده دفاع کرده‌اند.

مفاد سند چیست؟

دولت ایران و چین درباره جزئیات این سند سخن نگفته‌اند. بیشتر علی‌آقاحمدی، رییس گروه اقتصادی دفتر آیت‌الله



کردند.

انتشار خبر تهیه سند همکاری بلند مدت بین ایران و چین اوایل تابستان خبرساز شد و انتقادهای زیادی را به دنبال داشت.

منتقدان این سند را با قراردادهایی مانند «ترکمانچای»

کانال سوئز؛

احتمال دارد کشتی گیرافتاده «به‌زودی به حرکت درآید»

مسیر آسیا به اروپا را کوتاه‌تر می‌کند. راه دیگر دریایی، دور زدن دماغه امید نیک در جنوب آفریقا است که دو هفته بیشتر طول می‌کشد. شرکت بیمه آلمانی آلیانسن میگوید که بسته شدن کانال سوئز می‌تواند هر هفته بین ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار برای تجارت جهانی هزینه داشته باشد. کشتی اورگیون در ورودی کانال از سمت دریای سرخ به گل نشسته است که باریک‌ترین بخش کانال به شمار می‌رود و رفت‌وآمد کشتی‌ها در آنجا یک‌طرفه است. این رویداد در تاریخ ۱۵۰ ساله کانال سوئز بی‌سابقه خوانده شده است.

تاثیر خواهد گذاشت. شرکت‌های متخصص شناور کردن مجدد کشتی راهی محل شده‌اند تا راه کانال سوئز را باز کنند اما هنوز تلاششان به نتیجه نرسیده است. یکی از مشاوران رییس‌جمهوری مصر اظهار امیدواری کرده این مشکل ظرف دو تا سه روز حل شود اما کارشناسان می‌گویند اگر انتقال کانتینرهای روی کشتی نیاز شود، ممکن است عملیات هفته‌ها طول بکشد. حدود ۱۲ درصد تجارت دریایی دنیا از طریق کانال ۱۹۳ کیلومتری سوئز انجام می‌شود. این کانال دریای مدیترانه را به دریای سرخ وصل می‌کند و به این ترتیب

پس از آنکه در اثر طوفان شدید از مسیر خارج شد، به گل نشست و اریب راه کانال را بست. انسداد این کشتی باعث ایجاد ترافیک سنگینی در دریای سرخ شده و حدود ۲۰۰ کشتی در این مسیر آبی در ترافیک مانده‌اند. بنا بر گزارش‌ها خدمه امیدوار بودند که کشتی از اوایل شنبه عصر به وقت توکیو به حرکت در آید. جو ریمنونز، مسئول بخش مهندسی کشتی «مرسک اوهایو» به بی‌بی‌سی گفت تعداد کشتی‌هایی که در دهانه جنوبی کانال سوئز منتظر مانده‌اند، «تصادفی رو به افزایش» است و این بر کشتی‌رانی «در سراسر دنیا»

اطلاعات روز: صاحب جاپانی کشتی عظیم باری «اورگیون» که سبب مسدود شدن کانال سوئز شده است ابراز امیدواری کرد که «این کشتی به زودی در روز شنبه به حرکت درآید.» هم اکنون ۱۰ قایق یک‌دکش برای لایروبی لبه‌ها و ته کانال مستقر شده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، همزمان امریکا پیشنهاد داد تا برای کمک وارد عمل شود و تیمی از کارشناسان نیروی دریایی این کشور را به منطقه اعزام کند. کشتی «اورگیون» که کانال سوئز را بند آورده است، ۴۰۰ متر طول و ۲۰۰ هزار تن وزن دارد. این کشتی

کودتا در میانمار؛

دست‌کم ۶۰ کشته در تازه‌ترین دور خشونت‌ها

اعمال کرده‌اند. در سال‌های اخیر روابط نظامی و دفاعی روسیه و میانمار رنده شده بود. در همین زمینه مسکو سربازان میانمار را آموزش داده و به این کشور سلاح ارسال کرده است. مین آنگ هلینگ در اظهارات امروز خود بار دیگر از تصمیم خود برای به دست گرفتن قدرت دفاع کرده است. هشدار داد که «اقدامات خشونت آمیز بر ثبات و امنیت کشور تاثیرگذار است.» او اضافه کرد که ارتش به علت اقدامات غیرقانونی «حزب اتحادیه ملی دموکراسی» و «آنگ سان سوچی» ناچار شد قدرت را در دست بگیرد. حزب اتحادیه ملی دموکراسی به رهبری خانم سوچی در ماه عقب توانسته بود با کسب ۸۳ درصد از آرا در انتخابات پارلمانی به پیروزی برسد. ارتش با مخدوش دانستن انتخابات، برگزارکنندگان آن را به تقلب متهم کرده بود و خواستار تعویق گشایش دوره جدید مجلس بود که قرار بود دوشنبه آغاز به کار کند.



تلویزیونی به معترضان در خصوص خطر اصابت گلوله هشدار داده است. معترضان در حالی فراخوان‌هایی برای یک تظاهرات بزرگ منتشر کرده بودند که پیشتر نظامیان هشدار داده بودند که هر تجمعی با قوه قهریه مواجه خواهد شد. از زمان کودتا نظامی یکم فروری در این کشور، بیش از ۳۲۰ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. فرمانده کل ارتش میانمار همچنین در این سخنرانی که به مناسبت روز نیروهای مسلح به طور زنده پخش می‌شد بار دیگر وعده داد که انتخاباتی تازه در این کشور برگزار خواهد کرد. او اما زمان دقیقی برای برگزاری انتخابات آینده اعلام نکرد. ارتش پس از به دست گرفتن قدرت در این کشور کشور وعده داد که به مدت یک سال قدرت را در دست بگیرد. روز نیروهای مسلح یادآور آغاز مقاومت نظامی میانمار در برابر اشغال جاپان در سال ۱۹۴۵ است. در این رژه معمولاً مقامات سایر کشورها نیز شرکت می

اطلاعات روز: مین آنگ هلینگ، فرمانده کل ارتش میانمار، روز جشن نیروهای مسلح در حالی که وعده داد از «دموکراسی» حفاظت کند، به معترضان هشدار داد از برگزاری تظاهرات خیابانی خودداری کنند. همزمان براساس گزارش‌های دریافتی در میانمار دست‌کم ۶۰ نفر که در اعتراضات علیه کودتای نظامی در این کشور شرکت کرده بودند، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شدند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، در شهر اصلی یانگون، رسانه‌های محلی گفته‌اند نیروهای امنیتی به سمت جمعیتی که در بیرون از ایستگاه پلیس دست به اعتراض زده بودند، تیراندازی کردند. تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی ابری از دود و گاز اشک آور را در خیابان‌ها نشان می‌دهد. گزارش‌ها حاکی از صحنه‌های مشابه در شهرهای دیگر است.

هشدار فرمانده کل ارتش به معترضان

مین آنگ هلینگ، فرمانده کل ارتش میانمار در نطقی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سرمدبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سرمدبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واچد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

گزارش ویژه مارکا:

امپاچه و هالند؛ دو ستاره و یک سرنوشت



رونالدو را در جهان فوتبال بگیرند.

دو گزینه و دو عملیاتی که در دست انجامند.

در رابطه با امپاچه، طبق گزارش مارکا، اوضاع مذاکرات بر سر تمدید قرارداد این بازیکن با PSG اصلا خوب و امیدوارکننده به نظر نمی رسد. اشاراتی که امپاچه اخیرا در مصاحبه های خود کرده اصلا نشان نمی دهد که این ستاره قصد دارد پس از پایان قراردادش در ۳۰ جون سال ۲۰۲۲، باز هم در باشگاه پاریسی بماند. این امر موجب خواهد شد که پاری سن ژرمن به اجبار تن به فروش مهاجم استثنایی خود بدهد. نگه داشتن چنین بازیکنی با علم بر اینکه او در تابستان بعد تبدیل به بازیکن آزاد خواهد شد، اصلا انتخاب عاقلانه ای نیست.

علاوه بر این امپاچه می خواهد که نقش رهبری یک تیم را بر عهده داشته باشد و می داند با توجه به حضور نیمار در پاریس و همچنین احتمال پیوستن مسی و حتی

یوویچ، میلیتائو و رودریگو با مبلغی نزدیک به ۳۰۰ میلیون یورو به این تیم پیوستند، اما همگی عملکردی سوال برانگیز داشتند و در حد و اندازه مورد انتظار ظاهر نشدند. تابستان گذشته لوس بلانکوس به بحران مالی مواجه شد و ماجراجویی در بازار نقل و انتقالات را کنار گذاشت.

بهبود و پیشرفت اقتصادی

اکنون واقعیت های ورزشی رئال مادرید را ملزم به تقویت تیم کرده است و همه چیز نشان از آن دارد که این امر به دلیل پیشبینی بازگشت آهسته و آرام اوضاع به حالت طبیعی خواهد بود، اما همه چیز منوط به جدایی تعدادی از بازیکنانی است که هم اکنون در تیم زین الدین زیدان بازی می کنند، تا رئال مادرید بتواند دستمزد بازیکنان جدید خود را بپردازد. اهداف بزرگ رئال مادرید کیلیان امپاچه، ستاره ۲۲ ساله PSG، و ارلینگ هالند، ستاره ۲۰ ساله دورتموند، هستند؛ پدیده هایی که قرار است در آینده جای مسی و

امپاچه، هالند و رئال مادرید محکوم به این هستند که یکدیگر را بفهمند. امپاچه و هالند دو ستاره در حال ظهورند که به کار رئال مادرید در پروژه آینده این تیم می آیند.

احتمال بازگشت کریستیانو رونالدو به رئال مادرید، هر چند بیشتر زاییده تخیل رسانه ها است تا واقعیت، به نظر می رسد که هدف حقیقی رئال مادرید را در سایه قرار داده است، اما در سطح مدیریتی اوضاع اصلا چنین نیست.

برای مدیران رئال بسیار واضح و روشن است که این تیم برای فصل ۲۲-۲۰۲۱ باید تغییراتی اساسی کند، اما برای محقق شدن این منظور شرایط اقتصادی باشگاه نیز نیازمند تغییر است.

نقطه شروع می تواند بازگشت هواداران به استادیوم ها باشد و از آنجا باید به فکر عملیات های ممکن، نقل و انتقالات، مبادلات و عملیات اقتصادی... با توجه به تصمیم قطعی مدیران رئال مادرید و در نظر گرفتن کیلیان امپاچه و ارلینگ هالند به عنوان موتورهای تغییر و تحولات آینده این باشگاه، آنها قصد ندارند که منتظر والدیباس بمانند.

نام ستاره فرانسوی چهار سال است که در ارتباط با پیوستن به رئال مادرید مطرح می شود و پدیده بیست ساله نروژی نیز یک سال است که موضوع شایعاتی در رابطه با ملحق شدن به تیم زیدان است.

دو ستاره و یک سرنوشت... دو پدیده و یک مقصد!

رئال مادرید در تابستان سال ۲۰۱۹ سرمایه گذاری بسیار عظیمی روی بازیکنان تازه وارد خود کرد؛ مندی، هازارد،

خبرهای کوتاه

ستاره بلجیمی در تعقیب رونالدو؛ لوکاکو و رکورد شگفت انگیز هر سه شوت یک گل!

روملو لوکاکو، مهاجم اینتر، به صورت میانگین با هر سه شوتی که در سری آ می زند به یک گل می رسد.

لوکاکو که در جدول گلزنان سری آ در تعقیب کریستیانو رونالدو است، به صورت متوسط با هر ۳٫۴ شوت خود به گل به ثمر می رسد. روملو لوکاکو از زمان پیوستن به نراتزوری پیش از آغاز فصل ۲۰-۲۰۱۹ در این تیم درخشش ظاهر شده و مهره ای کلیدی در موفقیت شاگردان آنتونیو کونته بوده است.

ستاره بلجیمی اینتر در ۲۶ بازی ۱۹ گل به ثمر رسانده است و اکنون با چهار گل کمتر در تعقیب کریستیانو رونالدو در صدر جدول گلزنان سری آ است. لوکاکو تا این مقطع از فصل سه گل بیشتر از لوییس موریل، مهاجم آتالانتا و چهار گل بیشتر از زلاتان ابراهیموویچ، ستاره میلان، به ثمر رسانده است.

تداوم گلزنی و ثبات این ستاره ۲۷ ساله بسیار چشمگیر است و او در لیگ هر ۱۰۷ دقیقه یک بار برای اینتر گلزنی کرده است. ۲۹٫۶ درصد از گل های نراتزوری در این فصل را لوکاکو به ثمر رسانده است.

لوکاکو در فصل ۲۱-۲۰۲۰ سری آ ۶۵ شوت داشته که با توجه به ۱۹ گل زده به او آمار متوسط ۳٫۴ شوت بر گل را می دهد. مهاجم بلجیمی اینتر در این فصل در ۳۳ بازی از رقابت های مختلف برای نراتزوری به میدان رفته و آمار ۲۴ گل زده و هفت پاس گل را از خود بر جای گذاشته است.

راشفور و ساکا دو دیدار بعدی انگلیس را از دست دادند

دو بازیکن تیم ملی فوتبال انگلیس به دلیل مصدومیت قادر به همراهی این تیم در انتخابی جام جهانی نیستند. به نقل از اتحادیه فوتبال انگلیس، مارکوس راشفور و باکوینا ساکا بازیکن آرسنال به دلیل مصدومیت در دو دیدار بعدی انگلیس برابر آلبانی و لهستان به میدان نخواهند رفت و اردوی تیم ملی کشورشان را ترک کردند.

این دو بازیکن در دیدار برابر سان مارینو نیز غایب بودند که در نهایت شاگردان گرت سات گیت توانست با نتیجه ۵ بر صفر حریف خود را شکست دهد و برد آسانی را در شروع انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به دست بیاورد. کلورت لاورین مهاجم اورتون ۲ بار، رحیم استرلینگ، جیمز پروسی و اولی اوتکنیس گل های انگلیس را در این دیدار به ثمر رساندند.

همچنین هری کین که در این دیدار غایب بود احتمالا در دو دیدار پیش رو برای تیم ملی کشورش به میدان برود و بازوبند کاپیتانی را نیز به بازو خواهد بست.

آگوترو به PSG، این امر بسیار پیچیده و تقریبا غیرممکن خواهد بود.

در رابطه با هالند هنوز هیچ پیشنهاد و قیمت اولیه ای در کار نیست. روابط عالی و صمیمانه فلورنتینو پرز با مدیران بوروسیا دورتموند باعث نشده که شانس رئال برای به خدمت گرفتن هالند از دیگر تیم ها بیشتر شود، اما به مدیران این باشگاه اجازه داده تا از تحرکات احتمالی دیگر تیم ها برای امضای قرارداد با ستاره نروژی با خبر باشند.

طبق گفته مینو رایولا، ایجنت هالند، تمام تیم های بزرگ اروپایی در رابطه با به خدمت گرفتن هالند با او تماس گرفته اند و درباره شرایط امضای قرارداد با هالند تحقیق کرده اند. رایولا حتی گفته که خون لاپورتا، رییس جدید بارسلونا، نیز درباره هالند پرس و جو کرده است، هر چند با توجه به شرایط مالی کاتالان ها در حال حاضر، به خدمت گرفتن ستاره نروژی برای آنها چیزی نزدیک به محال است.

رایولا در پاسخ به رئال مادرید گفته است که مشتاق است تا با باشگاه سپید پوش مادرید همکاری کند و یکی از بزرگترین انتقالات سال های اخیر را رقم بزنند، همچنین هالند و پدرش که بیشترین تاثیر را روی تصمیمات او دارد نیز، با پیوستن به رئال مادرید مخالف نیستند اما در حال حاضر تردیدهایی دارند.

هالند و پدرش معتقدند که بوروسیا دورتموند بهترین مکان برای به پایان رساندن دوره آموزشی سطح اول فوتبال اروپا برای بازیکنی است که همین ۱۶ ماه پیش در اتریش بازی می کرد!

برنامه پاری سن ژرمن برای نیمار



بر ۲ تیمش مقابل لیون ۲۰ دقیقه بازی کرد. ماثوریتسیو پوچتینو می خواهد در رابطه با نیمار آرام آرام پیش برود تا از هر گونه آسیب دیدگی پیش از یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان جلوگیری کند. به همین خاطر در فیفا دی مارس تمرکز روی بهبودی نیمار خواهد بود. مهاجم برزیلی در این مدت در پایتخت فرانسه می ماند تا به طور کامل آسیب دیدگی اش بهبود یابد.

کامل برسد. نیمار یک و نیم ماه پیش آسیب دید و پس از یک ماه نتوانست در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا برابر بارسلونا بازی کند. او هر دو دیدار رفت و برگشت را از دست داد. PSG بدون ستاره اش نتوانست به یک چهارم نهایی صعود کند. در آخرین هفته ها مهاجم ۲۹ ساله کم کم به تمرینات پاری سن ژرمن پیوست و یکشنبه هفته گذشته در پیروزی ۴

دو باشگاه علاقمند به CRV؛ کریس رونالدو تصمیم به ترک یوونتوس گرفته است

همین زودی صحبت ها برای جدایی دو طرف از یکدیگر، آغاز شود.

سایت اسپانیایی OkDiario ادعا کرده که رونالدو آماده ترک یوونتوس در تابستان است و دو نتیجه نافرمام با یووه این تصمیم را تقویت کرده است.

گزارش شده که رونالدو همچنان از حذف یوونتوس از چمپیونزلیگ با شکست برابر پورتو به شدت ناراحت است. همچنین CRV از شکست اخیر یووه برابر بنونتو نیز به شدت ناراحت است، شکستی که به نظر می رسد امیدهای بیانکونری برای دهمین قهرمانی پیاپی در سری آ را ناامید کرد.

نام برده می شود؛ پاری سن ژرمن و یا اینتر میامی.

رونالدو با وجودی که آخرین سال های فوتبال خود به سر می برد، این فصل نیز در ترکیب بیانکونری درخشش ظاهر شد. ستاره ۳۶ ساله یووه در این فصل در ۲۴ مسابقه از سری آ ۲۳ گل به ثمر رساند و ۳ پاس گل داد. او همچنین در چمپیونزلیگ نیز چهار بار برای یوونتوس گلزنی کرد.

هر چند با توجه به بحران شدید اقتصادی که به دلیل شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا گریبان گیر یوونتوس شده، موجب شده است تا به

کریستیانو رونالدو ممکن است با باز شدن پنجره تابستانی، یوونتوس را به مقصد تیمی جدید ترک کند.

پس از حذف از چمپیونزلیگ و با نزدیک شدن به تاریخ پایان قرارداد کریستیانو رونالدو و یوونتوس در تابستان سال ۲۰۲۲، گزارش شده که رونالدو تصمیم دارد در پایان این فصل و در پنجره نقل و انتقالاتی تابستان بیانکونری را ترک کند. گفته شده که فوق ستاره پرتگالی دیگر در تورین خوشحال نیست.

از دو تیم با جدیت بیشتری به عنوان مقاصد احتمالی رونالدو پس از ترک یووه

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

فريحه ايترا

تا چه زمانی منتظر دیگری باید بود تا دست‌گیرمان شود؟ چرا سفر زندگانی‌مان را که تکرار‌نشده‌ای و برگشت‌ناپذیر است با نقشه‌ی ترسیم‌شده‌ی دیگری باید طی کرد؟ مگر آن دیگری واقعا قادر خواهد بود که ما را به سوی ذهن خودآگاه و «من»ی واقعی‌مان رهنمون سازد؟ چرا همواره در انتظار سرکشیدن منجی و رهبری برای تغییر و نجات ما باید بود؟ مگر تاحال چند رهبر، چند برنامه و چند محفل نمادین توانسته حصارها و زنجیرهای بردگی ذهن و وجودمان را بشکنند و ما را به سوی بیداری و رهابودگی سوق دهد؟ بالاخره، کی قادر به رهایی‌مان خواهد بود اگر ما خود به سوی رهایی و آزادی نشتابیم و گام نگذاریم؟ پاسخ روشن است: هیچ‌کس! جز آن «خود» آگاه که با شکستن ستون‌های سکوت و ایجاد تغییر نخست در خود، از درخودبودگی به برخودبودگی عبور می‌کند. و این عبور هرگز ممکن نخواهد بود مگر این‌که با «پرسش از خود»، باورهای انباشت‌شده، دروغین و عاریتی خود را به چالش بکشانیم.

بنابراین، در آغازین سخن تمامی خواننده‌ها را به فراخوان «پرسش از خود» به‌عنوان کنش فردی دعوت می‌نمایم. «پرسش» به معنای به چالش کشیدن. به چالش کشیدن هر تصور و برداشتی که نسبت به خویش‌تن خویش داریم. نسبت به کیستی و چیستی، هویت، عقاید، باورها، بینش و دانایی خود. در کل باوری که نسبت به فردیت خویش داریم. «خود» در این نوشته ارجاعی‌ست به مجموع اطلاعات، عقاید و اندیشه‌ها در خود. پرسش از خود از این جهت مهم است چون که هر انسانی در جهان امروزی با انبوه از هویت‌های قالبی و قلابی که در جامعه وجود دارد مواجه است. هویت‌هایی که فردیت مستقل و نیرومند را از افراد قاپیده و مبدل می‌سازد به انسان فاقد فردیت آزاد، آگاه و توانا. باین‌حال، طرح هر پرسشی که کمک کند پوسته‌ی دروغینی را که شخصیت‌مان را پوشانیده دور زبیم و به سوی زیست حقیقی و راستین‌مان رهنمون شویم، ارزش‌مند است. گاهی شده از خود بپرسیم و ببیندیشیم که من کیستم/چیستم؟ زن واقعی کیست؟ اساس واقعی و انسان بودن‌مان در چیست؟

ما در جهانی زیست داریم که با تمام قوت به وسیله‌ی نیروهای مختلف چون ایدئولوژی‌های سیاسی، دین، سنت و جامعه نه‌تنها که در تلاش کنترل فیزیکی انسان‌هاست بلکه می‌خواهد کنترل ذهن، هویت و فردیت فرد فرد جامعه را به دست گیرد. در جامعه‌ای که افراد در بین ذهنیت‌های گله‌ای و جمعی و سنت‌های قبیله‌ای قرار گرفته و به توده‌ی فاقد هویت و فردیت آزاد مبدل می‌شوند، افراد در قالب انبوه‌ی هویت‌های که ساخته‌ی اجتماع است جا داده شده و نقاب زده می‌شوند. در مقابل، افراد هم با همان قوت می‌کوشند این نقاب را حفظ نمایند. در برابر هجوم هویت‌زداپی جامعه نیستانده و آن را به چالش نمی‌کشند. این‌جاست که گسست در ناخودآگاه ما ایجاد شده و استبداد تاریکی سراسر وجودمان را فرا می‌گیرد. و با حفظ این ماسک شهامت «نه» گفتن را در برابر تاریکی‌های درونی و بیرونی از دست می‌دهیم، به ویژه زنان که چنان طعمه‌ی آماده توسط اژدهای تاریکی و نیروی‌های محدودکننده آزادی در طول تاریخ بلعیده شده‌اند/ می‌شوند. عمده‌ترین عامل بردگی افراد به ویژه زنان در برابر نیروهای محدودکننده آزادی و فردیت در جامعه سنتی افغانستان بر می‌گردد به عدم «پرسش از خود»، چرا؟ چون هیچ‌گاهی ما «کیستی و چیستی»ی خویش را مورد پرسش قرار ندادیم، در موردش نیندیشیده‌ایم و تلاش برای دانستن نکرده‌ایم. دانایی، اطلاعات، باورها و در کل پیش‌فرض‌هایی را که اساس تشکیل وجود، هویت و «بودن» خویش می‌پنداریم به چالش نکشیده‌ایم. نگرش، بینش و عقاید خویش را نسبت به جنس خود دچار تحول و بحران هویتی نساخته‌ایم. آنچه را دیگران



اطلاعات روز

فراسوی بیداری، رادیکال

تحویل سال، تحول فکر و اندیشه



اجتماعی برسند. این باور و نگرش را در ذهن خود ته‌نشین می‌کنند که بدون حمایت مردی قرار نیست به جایی برسند و یا قادر به کاری باشند. به همین دلیل در تلاش تأمین رابطه با مردی، به هر نحو ممکن، هستند. ازدواج مبدل به اولویت‌های زندگی و روزمره‌شان می‌شود. اگر ازدواج نکنند، ماهی‌ی ننگ به شمار آمده، «تُرشیده و خانه‌مانده» خوانده می‌شوند و تصور می‌کنند کمبودی و یا عیبی دارند. حاضر می‌شوند که خود را به عدد تقلیل داده، زن دوم و سوم و چهارم شوند. گاهی حتا روی ویرانی‌های خانه‌ی دیگری خانه‌ی خود را آباد می‌سازند. نام خانوادگی مرد را به خود گرفته، جزء او و قوم و تبار او می‌شوند. گویی در او محو شده و ناپدید و نامرئی می‌شوند.

دردناک‌تر و ناامیدکننده‌تر از همه این است که حتا خانواده‌های با سواد که ادای روشن‌فکری در می‌آورند متأثر از ساختارهای فکری، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و سنتی جامعه‌اند و نسبت به زنان دید کلیشه‌ای و نقش‌خورده دارند و در بسیاری مواقع حق انتخاب و آزادی عمل زنان را محدود و مشروط می‌سازند. در چنین خانواده‌ها، بالاترین سطح تحصیلی که برای زنان در نظر گرفته می‌شود، کارشناسی است. به ندرت دختران اجازه فراگیری تحصیل تا سطح کارشناسی ارشد و بالاتر از آن را دارند. ادامه تحصیل در خارج از کشور منوط و مشروط به اجازه مردان خانواده چون پدر و برادر و کاکا و همسر... است. زنان اجازه تحصیل در رشته‌های که مردانه خوانده می‌شود (انجینری و تکنالوژی معلوماتی و...) را ندارند. بهترین شغل و رشته تحصیلی برای زنان معلمی و طبابت به حساب می‌آید. زنان کارمند صلاحیت و اختیار کامل معاش خود را ندارند. مصرف و هر نوع تصمیم در رابطه به معاش زنان از سوی پدر و برادر و یا همسر آن‌ها گرفته می‌شود. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، دوچرخه‌سواری و دریوری مخالف نورم خانوادگی و اجتماعی به حساب آمده و زنان اجازه انجام آن را ندارند. هر نوع تأکید و پافشاری مبنی بر انجام آن‌ها از سوی زنان، خشونت مضاعف را در خانواده و اجتماع تجربه خواهند کرد.

در دیدگاه‌های مدرن زنان همچنان به فردیت آزاد و مستقل و توانای خود دست نیافته‌اند. زن، «بَرزن» تعریف می‌شود؛ زنی با توانایی‌های بسیار بلند، به‌سان رباتی با چندین قابلیت که قادر است هم‌زمان تمام توانایی‌هایش را بدون کم و کاست به نمایش بگذارد. از ایزرن انتظار می‌رود که با کار در بیرون و داخل خانه نیازهای همه را هم‌زمان و موفقانه بدون

حاضر می‌شوند که خود را به عدد تقلیل داده، زن دوم و سوم و چهارم شوند. گاهی حتا روی ویرانی‌های خانه‌ی دیگری خانه‌ی خود را آباد می‌سازند. نام خانوادگی مرد را به خود گرفته، جزء او و قوم و تبار او می‌شوند. گویی دراو محو شده و ناپدید و نامرئی می‌شوند.

حقیقی دست یافت. مطالعه و تفکر شهامت «نه» گفتن و ایستادن در برابر نیروهای را که بر هویت و فردیت ما می‌تازند و طی سالیان دراز تاخته‌اند، می‌آموزاند. به ما می‌آموزاند که چگونه با دروغ‌های که خود به خویش گفته‌ایم و طی سده‌های متمادی دیگران به ما گفته‌اند، و ما از آن ماسک ضخیم و دنجی برای آرامش ساخته‌ایم - آرامشی که گذرا، موقت و مُردنی‌ست - بزبیم. ما یاد می‌گیریم که چگونه در برابر آیین‌ها و دیدگاه‌های جنسی شده‌ی سنتی و مدرن که در طول تاریخ در زنان تزریق کرده‌اند، بایستیم. مهارت‌های ایستادن را در برابر هنجارهای که زیر نام ایدئولوژی، دین، رسم، سنت، جامعه، فردیت، آزادی، هویت، واقعیت و حقیقت زنان را از آن‌ها قاپیده و محو می‌سازد، می‌آموزیم. اما با درد و انگیزه‌ای که زنان در نتیجه نیندیشیدن و بردگی در برابر آیین‌ها و باورهای جمعی، گله‌ای، قبیله‌ای و در ازای نفی «خود»، در قالب‌های که جوامع سنتی و مدرن برای آن‌ها ساخته‌اند، خیلی راحت خود را جا کرده‌اند/ می‌کنند.

آیین‌های سنتی زنان را «نامرئی» و نگرش‌های مدرن زنان را به «بَرزن» مبدل می‌سازد. در دیدگاه سنتی، زنان حتا وجود فیزیکی ندارند. شیخ اند و اسیر. تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند مال و رعیت پدر خوانده شده و در تصاحب مردان خانواده، قوم و قبیله است و پس از ازدواج در تملک همسر و خانواده‌ی همسر درآورده می‌شوند. سرنوشتی که در انتظارشان است همانا ازدواج است. رسالت و غایت زندگی‌شان همسر‌داری، تولد و پرورش کودکان تعریف می‌شود. در همچون جو فکری و فرهنگی و اجتماعی، بعضی از دختران هم با یک عمل نارس‌یستی به دنبال پیداکردن همسر و دوست‌پسری که از موقعیت خوب شغلی و اقتصادی برخوردار است می‌روند تا به واسطه‌ی وی به شهرت، مقام و موقف خوب شغلی و

هیچ نوع کمبودی برآورده سازد. همچنان، بهره‌کشی از زنان توسط دنیای مُد و فیشن در دنیای مدرن امری طبیعی می‌نماید. جراحی پلاستیک، جراحی پوست و صورت، بزرگ کردن باسن و سینه و لب، شی‌وارگی زنان در شعر و ادبیات، صنعت فیلم و هنر و سینما و تبلیغات ابزار معمول ایژگی زنان در ساختارهای نابرابر مردانه و سیستم‌های سودمحور جهان مدرن سرمایه‌داری است.

در هر دو دیدگاه سنتی و مدرن زنان نقشی را بازی می‌کنند که دیگری از آن‌ها انتظار دارد و هر دو نگرش به‌شدت نقش‌خورده اصالت و فردیت مستقل و «خود»بودگی را از زنان می‌گیرد. و زنان هم با پذیرش و بردگی در برابر این عقاید و دروغ‌های را که خود در خویش‌تن خویش ته‌نشین کرده‌اند، ذهن و وجود خود را در بند سوی تاریک و اهریمنی‌ای خویش کشانیده و شهامت «نه» گفتن و به چالش کشیدن رسوم جامعه و هنر ایستادن در برابر ذهنیت‌های جزم‌گرا و هویت‌های ساختگی را از دست می‌دهند. داستایوفسکی در رمان «بله» می‌نویسد: «بالا تر از هر چیزی به خودت دروغ مگو. انسانی که به خودش دروغ بگوید و به دروغ‌های خودش باور کند به جایی می‌رسد که نمی‌تواند دروغ را از حقیقت تفکیک کند... و اندکان‌دک حتا احترام خودش را از دست می‌دهد... و از عشق تهی می‌شود.» براساس همین دروغ‌های که خود و دیگران در زنان القاح کردند آموختیم که در برابر جماعتی که ما را یکی از آن دیگری می‌خواهد باشیم، نایستیم و این گفته «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت باش» مبدل به فلسفه‌ی زندگی ما می‌شود.

بنابراین، امر مسلم و لازمی است که ما خود تعریف کنیم که کی/چه هستیم. و یک‌بار هم اگر شده در زندگی با رجوع به خود، از باور، ایدئولوژی، سنت و دین درون خود بپرسیم و آن‌ها را به چالش بکشانیم. و اگر دروغی در درون ما جا داشته، در برابر آن دروغ بایستیم. چون‌که، اگر ما خود جوهر درونی و حقیقت خویش را کشف ننماییم و تمامیت خود را به‌دست نیاوریم و چیستی/کیستی خویش را خود بیان ننماییم دیگران این کار را برای ما خواهند کرد. اگر ما خود ندانیم که کی هستیم، دیگری به ما خواهد گفت که کی هستیم. کسانی هم که به‌عنوان منجی و یا رهبر بکوشند راهی را برای ما نشان دهند راه خود آن‌ها است. پس باید راه‌مان را خود بگزینیم، چون‌که: «کفشی که به پای دیگری برابر است، پای ما را خواهد زد.» و به این باور باید رسید که ما قادر به کشف حقیقت و هویت واقعی خویش با راه و نیروی خود هستیم، نه با راه و نیروی دیگران. به باور کارل گوستاو یونگ، هر انسانی قادر به کشتن هیولای درون خودش است. هر فردی می‌تواند هیولا و تاریکی ذهن خودش را تشخیص داده، آن‌را از بین ببرد و به روشنایی مبدل سازد. پس برای رسیدن به این روشنایی، از تاریکی‌ها عبور باید کرد. نیچه می‌گفت: «بلندترین روشنایی‌ها از عمیق‌ترین تاریکی‌ها می‌گذرد. به این عمق باید رفت تا آن‌را دید». رسیدن به فردیت و خودواقعی و خلق دوباره‌ی خود با دستان خود دشوار است. رنج و اضطراب را در قبال خود سفر رسیدن به خود واقعی افت‌وخیز می‌طلبد، قربانی و شکستن می‌خواهد. اما، با شهامت به استقبال این رنج و اضطراب و شکستن باید رفت و آن‌را به آغوش باید کشید و تغییری را در خود ایجاد باید کرد. چون هر تغییری در خود با «پرسش از خود»، مطالعه و فراگیری تحصیل و توسعه‌ی دانش و اطلاعات، مارا به «خود جدید» و «خود حقیقی واقعی» هدایت خواهد کرد. آری، تغییر را نخست از خود باید شروع کرد، و هر تغییری در خود، تغییر جامعه را در قبال خواهد داشت.

پس یک‌بار هم اگر شده با تحویل سال، ماه، روز و لحظه در زندگی برای ایجاد تغییری در خود از خود بپرسیم که من واقعا کیستم و چیستم؟ آیا آنی هستم که باید باشم؟ زن واقعی کیست؟